نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیستم- شماره ۸۵۰ یک شنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۶- ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

نقدی بر مواضع شیخ خدری در جریان انتصاب استاندار جدید بوشهر

از انتخابات ۹۶ تا انتصاب گراوند بر استانداری بوشهر

علی اسماعیلی

صفحه ۳

تقابل نسل ها از زاویه‌ای دیگر؛ تلاقی یک نسل سرخورده با یک نسل عصیان‌زده

الهام بارگاهی

صفحه ۶

بیانیهٔ ستاد جوانان و دانشجویان دکتر حسن روحانی در استان بوشهر خطاب به استاندار جدید بوشهر

بیش از هر روز دیگر به اتحاد و انسجام و نزدیکی دل‌ها نیازمندیم

صفحه۲





معارفه مصطفی سالاری استاندار گیلان:

از دیار رئیس‌علی دلواری به دیار میرزا کوچک آمده‌ام

صفحه ۸

نسیم جنوب
خبر
شماره ۸۵۰ یکشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

دلایل روحانی برای رأی اعتماد به گراوند بعنوان استاندار بوشهر

عبدالکریم گراوند استاندار بوشهر شد



هیأت دولت، عبدالکریم گراوند را به عنوان استان بوشهر منصوب نمود. در جلسه هیأت دولت، پرونده استاندار بوشهر که در روزهای اخیر باعث بحث های فراوانی در مجامع سیاسی شده بود، با انتخاب عبدالکریم گراوند بسته شد. گراوند معاون سیاسی و سرپرست استانداری بوشهر بود که از سوی طیف های مختلف سیاسی و ستاد روحانی در استان بوشهر، به عنوان گزینه کاندیدای استانداری بوشهر مطرح و مورد اعتماد هیأت دولت قرار گرفت.

دلایل روحانی برای رأی اعتماد به گراوند بعنوان استاندار بوشهر

روحانی آشنایی وی به استان و برنامه های ارایه شده از سوی وی را از نقاط قوت گراوند دانست.

دکتر روحانی: استان بوشهر به لحاظ مرزی بودن و برخورداری از ظرفیت صنعتی، گردشگری، دریایی و انرژی، از جمله استان های استراتژیک و مهم بوده و توسعه اشتغال و افزایش نشاط جامعه برای کار و فعالیت از اولویت های دولت دوازدهم است.

وی استاندار را به تلاش برای وحدت جامعه، هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف و واگذاری طرح های نیمه تمام که از دیگر اولویت های دولت است، توصیه نمود و بر بهره گیری بیشتر از جوانان و زنان تأکید کرد.

تبریک مجمع اصلاح طلبان دشتستان به استاندار جدید

حسن انتخاب دولت تدبیر و امید در انتخاب استاندار جدید بوشهر

جناب آقای عبدالکریم گراوند استاندار محترم استان بوشهر، انتصاب شایسته جنابعالی را به عنوان استاندار بوشهرکه نشان دهنده مراتب شایستگی، تلاش و تجربه ارزنده شما در عرصه سیا سی ، ا جتما عی و فرهنگی است صمیمانه تبریک عرض می کنیم.

استان بوشهر به عنوان استانی استراتژیک و پایتخت انرژی کشور همواره در گزینش ها و انتخاب ها مورد توجه بوده و با دارا بودن مردمانی با فرهنگ و نجیب شایسته بهترین هاست.

حسن انتخاب دولت تدبیر و امید و رأی اعتماد به حضرتعالی با سوابق و تجارب اجرایی موفق در حوزه وزارت کشور از اقدامات قابل تقدیر هیأت دولت دوازدهم، در بکارگیری و توجه به نیروی انسانی توانمند است.

بدون تردید، با توجه به اینکه استان بوشهر از پتانسیل های گوناگون توسعه ای برخوردار و یکی از استانهای زرخیز کشور محسوب می شود و بیشترین مرز آبی با خلیج همیشه فارس و ظرفیت های مختلفی برای کار و تلاش دارد، لازم بود استانداری انتخاب شود که ضمن توجه به توسعه همه جانبه استان؛ برای استفاده بهینه از پتانسیل های استان با ظرفیت های گوناگون سرزمین آفتاب و دریا آشنایی داشته باشد که خوشبختانه جناب آقای گراوند با توجه به حضور خود در استان بوشهر دارای این خصوصیت برجسته نیز می باشد.



مجمع اصلاح طلبان شهرستان دشتستان ضمن تبریک صمیمانه و آرزوی توفیق جنابعالی در پیشرفت و توسعه استان، بر خود لازم می دانیم حسن انتخاب دولت دوازدهم را قدردانی نموده از مساعی ارزشمند و مجدانه جناب آقای سعادت نماینده محترم مردم فهیم دشتستان در راستای تحقق گفتمان غالب انتخابات اردیبهشت نود وشش و انتصاب جنابعالی تشکر و قدردانی می نماییم.

به امید اعتلای روزافزون استان بوشهر

مجمع اصلاح طلبان شهرستان دشتستان

فرماندار دیر گفت:

انتقاد اخیر امام جمعه موقت بردخون زیبنده نبود

فرماندار شهرستان دیر گفت: در بخش بردخون در حوزه بهداشت اقدامات خوبی انجام گرفته که قابل مقایسه با گذشته نیست هر چند مشکلاتی نیز وجود دارد اما باید انتقاد سازنده بشود نه این که امکانات بهداشتی آن منطقه را در حد یک روستا بدانند که این زیبنده نیست.

وی افزود: شهرستان دیّر تنها شهرستان استان بوشهر فاقد یک بیمارستان بود که خوشبختانه امسال بعد از گذشت ۲۸ سال و با پیگیری‌های انجام شده موفق به داشتن یک بیمارستان گردید.

«عبدالهی» رییس دانشگاه آزاد بوشهر شد

طی حکمی از سوی فرهاد رهبر رییس دانشگاه آزاد کشور، دکتر اسماعیل عبدالهی به عنوان رییس دانشگاه آزاد بوشهر منصوب شد.

عبدالهی متولد شهر دالکی است که عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد در رشته حقوق و نایب رییسی کانون وکلای استان از سوابق وی می باشد.

وی در دوره ریاست دکتر عبدالصاحب امامی و دکتر ساسان قاسمی در دانشگاه آزاد بوشهر برای مقاطعی معاون آموزشی بود.

از دی ماه ۹۲ دکتر یوسف قیصری به عنوان رییس دانشگاه آزاد بوشهر فعالیت داشت.

بیانیهٔ ستاد جوانان و دانشجویان دکتر حسن روحانی در استان بوشهر خطاب به استاندار جدید بوشهر

بیش از هر روز دیگر به اتحاد و انسجام و نزدیکی دل‌ها نیازمندیم

پیروزی درخشان حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم، بی گمان مرهون و مدیون زحمات شبانه روزی جوانان بی ادعا، فکور و امیدوار به آینده بود که در سراسر کشور مسیر عقلانیت را برگزیدند و یگانه راه رسیدن به آرمانها و مطالبات خود را صندوقهای رأی اعلام کردند. بی هیچ گمان و تردیدی بهانه برای ناامید شدن و بی تفاوتی پیشه کردن برای نسل جوان در انتخابات گذشته کم نبود؛ اما آنچه نمود یافت خردمندی و عقلانیت مدنی بود که معنای عمیق «عدم بازگشت به عقب» را دریافته و اجازه نداد کشور در دست ماجراجویان و عقل ستیزانی درافتد که بر هزینه‌های سنگین و مخرّب سیاست‌هایشان نام «برکت» می‌گذارند. اتکای به همین خردورزی و عقلانیت و مسئولیت‌پذیری در میان جوانان بود که شعار جوانگرایی را مبدل به یکی از محوری‌ترین شعارهای ریاست محترم جمهور، دکتر حسن روحانی نمود.

بر این اساس ستاد جوانان روحانی در استان بوشهر بر خود لازم می‌داند ضمن پاسداشت زحمات استاندار پیشین، دغدغه‌های خود را در آستانهٔ انتخاب استاندار جدید با شفافیت مطرح بدارد؛ دغدغه‌ها و مطالباتی که نه تنها بر اساس یک حق شکل گرفته، بلکه مسئله‌ای است که در میان‌مدت و درازمدت با امنیت ملی کشور مرتبط می‌شود. چراکه امنیت ملی در یک کشور ساخته و پرداختهٔ نیروهای انسانی ماهری است که هم از سطح تحصیلات عالیه برخوردار بوده و هم از تجربه کافی در عرصه‌های مختلف مدیریتی بهره مند باشد. عدم توجه به نقش جوانان در فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مدیریتهای میانی و کلان استانی و ملی نسلی را بار می‌آورد که فاقد انباشت تجربیات مدیریتی بوده و در آینده‌ای نه چندان دور با خارج شدن نسل کنونی از رده‌های مدیریتی سازمانی مخاطرات جدی برای کشور می‌تواند ایجاد کند. از سوی دیگر شکل گیری یأس و ناامیدی دوباره در جوانانی که برای تغییر و اصلاح شرایط کلی و جزئی کشور به دکتر حسن روحانی رأی داده‌اند، می‌تواند با خلق سرخوردگیها، بنیانهای مشروعیت نظام و ثبات سیاسی کشور را در آینده‌ای که چندان دور نخواهد بود زیر سئوال برده و بر شکافهای نسلی و مشروعیت بیافزاید که تبعات سنگینی می‌تواند برای امنیت ملی و ثبات نظام سیاسی کشور پدید آورد. لذا به نظر می‌رسد مسئلهٔ جوانگرایی در کوتاه مدت اگرچه یک شعار تبلیغاتی و انتخاباتی است، اما در آیندهٔ میان مدت و درازمدت مبدل به مسئله اساسی در امنیت ملی کشور خواهد شد.

به همین منظور ستاد جوانان دکتر حسن روحانی در بوشهر سه اولویت اساسی استاندار آیندهٔ استان را در راستای شعار راهبردی و بنیادین جوانگرایی در این استان، در سه محور زیر ارزیابی می‌نماید:

۱- وعده‌های ریاست جمهور

آنچه بیش از هر چیز دیگر امید جوانان را به عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی در آیندهٔ پیش رو تهدید می‌کند، عدم پایبندی مسئولین استانی و مدیران منتخب در ارگان‌های مختلف به شعارها و برنامه‌های دکتر حسن روحانی در ایام انتخابات و عدم اعتنا و پیگیری مطالبات عموم جوانان حامی روحانی خواهد بود. لذا با توجه به اهمیت خدشه ناپذیر عهدهای بسته شده میان دولت و ملت، توجه ویژه برای تحقق آن وعده و ترسیم حرکت مسئولین استانی بر اساس آن، مهم‌ترین مطالبه از استاندار آینده خواهد بود.

۲- اشتغال

استان بوشهر به عنوان یکی از ثروتمندترین استانهای کشور ظرفیتهای عظیمی از فرصت‌ها را در دل خود نهفته دارد. استان بوشهر دارای عظیم‌ترین ظرفیتها در حوزهٔ شیلات، کشاورزی، صنایع دریایی، گمرکات و تجارت، توریسم و گردشگری و همچنین ایستاده بر کرانه‌های قلب و قطب انرژی کشور و بلکه انرژی دنیا است. اما متأسفانه به دلیل ساختارهای معیوب و نبود نقشه‌های راه کلان این ظرفیتها مبدل به توسعهٔ پایدار و ایجاد اشتغال برای جوانان بوشهری نشده است. برخی از فرصت‌های شغلی به تعبیر نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی به واسطهٔ دست‌های پنهان غیر پاسخگو تماماً در اختیار نیروهای خارج از استان قرار می‌گیرد که به خلق احساس تبعیض و بی عدالتی بسیار گسترده در میان جوانان استان بوشهر منجر شده است. از سوی دیگر جوانان حامی روحانی به خاطر رویکردهای امنیتی ناصواب و فزاینده به صورت مضاعف از حقوق بدیهی و برابر با دیگران برای احراز یک شغل محروم می‌شوند. حل شایسته و بنیادین این مسئله از مهمترین خواسته‌ها و مطالبات جوانان در مقطع کنونی از استاندار آیندهٔ بوشهر ارزیابی می گردد.

۳- تحول مدیریتی

جوانان استان بوشهر در حالی وارث مشکلات متعدد می‌شوند که خود در پدید آمدن آن مشکلات هیچ نقشی نداشته‌اند. سیستم ناکارآمد مدیریتی، عدم شفافیت‌های اداری و مالی، عدم پاسخگویی شایسته و عدم قانونگرایی ملازم با توسعه قسمت عمده‌ای از مشکلات کنونی را رقم زده است. نیاز امروز استان بوشهر ایجاد یک تحول عمیق اداری در نحوهٔ مدیریت استان است. در این راستا و بر اساس وعده‌های انتخاباتی ریاست محترم جمهور توقع صریح جوانان حامی روحانی که خانه در دل اصلاحات دارند از مقام ارشد استان آن است که ضمن پاسداشت و گسترش آزادی‌های مشروع و حقوق مصرح ملت در قانون اساسی کشور که خود زمینه ساز توسعه خواهد شد، فضا را برای تحول مدیریتی استان فراهم آورد. ضمن اینکه در راستای شعار جوانگرایی، این ستاد قائل به آن است که با توجه به مقدمهٔ پیش گفته، نگرش و برنامهٔ ویژه‌ای برای حضور جوانان در رده‌های مدیریتی استان در دستور کار قرار گرفته و مقدمهٔ گذار بین‌النسلی ایجاد گردد.

از سوی دیگر جا دارد استاندار آیندهٔ بوشهر این مسئله را در نظر آورد که بنا به تجربیات تلخ سال‌های اخیر، بیم آن می رود ثمرهٔ جوانگرایی در استان بوشهر، بر سر کار آمدن «دسته‌ای» شود که کمترین نسبتی با اصلاحات و جریان اعتدال نداشته و در ایام انتخابات با نزدیکی به مراکز خاص قدرت در ستادهای رقیب دکتر حسن روحانی فعال بوده و در تخریب و اهانت و سیاه نمایی علیه دکتر روحانی و جبههٔ اصلاحات از هیچ منکر و دروغی رویگردانی نداشته‌اند. پیشاپیش باید متذکر شد هیچ استدلال و توجیهی در به کارگیری نیروهایی که ضدیت خود را با منش و روش اعتدال و اصلاح اعلام کرده‌اند برای جوانان خدّوم اصلاح طلب و حامی روحانی قابل پذیرش نیست و در حالی که تهدیدات و تضییقات خنثی کردن توطئه‌های خرد و کلان علیه دکتر حسن روحانی در همهٔ این سالها متوجه جوانان حامی وی بوده است، میوه و بار این درخت رشد یافته که انتصاب استاندار همسو با دولت در استان بوشهر از آخرین برکات آن است، نصیب جناح رقیب گشته و بار دیگر جوانان متعهد و شایستهٔ جبههٔ اصلاح و اعتدال به چوب ندانم‌کاریها رانده و انکار شوند و بر این اجحاف، صد دلیل ناموجه و مسئولیت گریز اقامه گردد.

در پایان باید اشعار داشت این روزها بیش از هر روز دیگر به اتحاد و انسجام و نزدیکی دل‌ها نیازمندیم. امیدواریم استاندار بوشهر با همت عالی و بهره گیری از خرد جمعی و درایت و هوشمندی لازم همهٔ نیروهای مولد و سازنده در استان را گرد هم آورده و خود سکاندار استان به سمت توسعه، عدالت و حکومت قانون شده تا با تحقق برنامه‌های دولت، فرصت رشد و بالندگی روزافزون استان بوشهر فراهم آید.

ستاد جوانان و دانشجویان دکتر روحانی در استان بوشهر

معاون آموزش و پرورش بوشهر:

تحریف نقشه استان بوشهر در کتاب درسی/ آموزش و پرورش پیگیری می کند

معاون پژوهش، برنامه ریزی آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: آموزش و پرورش استان تحریف نقشه استان را پیگیری کرده است. به گزارش خبرگزاری مهر، معاون پژوهش، برنامه ریزی و نیروی انسانی آموزش و پرورش استان اظهار داشت: در کتاب مطالعات اجتماعی پایه ششم چاپ سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶، دو مورد نقشه تحریف شده از استان بوشهر چاپ شده است.

ناصر غلامی ادامه داد: با توجه به اهمیت مناطق



نفت خیز و میادین گازی پارس جنوبی برای استان بوشهر، این اشتباه باعث ایجاد نارضایتی عمومی و ناراحتی مردم شده است. این نقشه از نظر تقسیمات سیاسی، غیر حرفه ای و دارای اشکال است. وی خاطرنشان کرد: این معاونت به صورت تخصصی و توسط سرگروه ششم ابتدایی استان و سرگروه جغرافیای استان در خصوص این مساله نامه ای به سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش فرستاده است. وی اضافه کرد: اداره کل آموزش و پرورش استان خواهان این است که موضوع مذکور به صورت فنی و دقیق بررسی و نسبت به تصحیح نقشه اقدام شود.

تبریک نماینده بوشهر، گناوه و دیلم، به استاندار جدید استان بوشهر

نماینده مردم شریف بوشهر، گناوه و دیلم طی پیامی انتصاب استاندار جدید استان بوشهر را تبریک گفت.

متن این پیام به شرح زیر می باشد:

بسم الله الرحمن الرحیم

انّا عَرَضنا الاَمانَةَ علی السَّموات و الاَرض و الجبال فَاَبَیْنَ اَنْ یَحمِلْنَها وَ اَشْفَقْنَ منها وَ حَمَلَها الانسانُ اِنَّهُ کانَ ظَلُوما جَهولاً (احزاب ۷۲)

برادر گرامی جناب آقای عبدالکریم گراوند

استاندار محترم و معزز استان بوشهر

اینجانب به عنوان وکیل و نماینده مردم شریف و گرانقدر شهرستان های بوشهر،گناوه، دیلم بر خود لازم دانستم، اینک که به لطف پروردگار باریتعالی وظیفه خطیر استانداری استان زرخیز بوشهر با شرایط ویژه و استراتژیک آن بر دوش جنابعالی گذاشته شده است. ضمن عرض تقدیر از حسن انتخاب رئیس جمهور مدبر و هیأت دولت دوراندیش مراتب تبریک بمناسبت این انتصاب را خدمتتان عرض نماییم.

بی شک مدیریت در سطح کلان استان می طلبد که با هم افزایی و سعه صدر در راستایی سربلندی این خاک پر گهر که نقطه نقطه آن نشان از رشادت و مردانگی های فرزندان این خاک دارد اقدامات مؤثر و مانایی را ورق زنید. امروز استان ما بیش از پیش به اقدامات و برنامه هایی پایا که در آن به توسعه زیرساخت ها، جبران عقب ماندگی ها، بهبود فضای کسب و کار،کاهش دغدغه های اجتماعی، استفاده و حمایت از نخبگان، حمایت از جوانان، توسعه اجتماعی و هم افزایی جریان های فکری و عقیدتی نیازمند است. رجاء واثق داریم که حضرتعالی می توانید با تکیه بر تجارب آموخته و با بهره گیری از همه داشته ها و سلائق این استان از جمله داشته های فرهنگی، اجتماعی، انسانی و موهبت های خدادادی و با استفاده و تأکید بر دانش مدیران بومی تأثیری ماندگار بر زیست بوم و فضای زندگی عمومی در این استان بگذارید.

قطعا آنچه اوجب واجبات در نظام مقدس جمهوری اسلامی است خدمتگزاری به مردم است و اکنون مجالی برای تضادورزی و فرصت سوزی و حاشیه سازی و حاشیه پردازی نیست و آنچه بر همگان واجب و ضروری است هم گرایی، همراهی، تساهل و تحمل است که خود فزاینده، تسریع و تسهیل کننده امور بوده و مطلع شکوفایی و پویایی در توسعه استان خواهد شد. باشد که با خلق چنین فضایی بتوانیم موجب ارتقاء جایگاه استان در سطح ملی و منطقه ای گردیم.

ضمن آرزوی موفقیت مجدد برای شما برادر گرانمایه از خداوند عز و جل سعادت، سلامت، سربلندی و گشایش امور را برایتان خواستارم.

عبدالحمید خدری

نماینده مردم شریف بوشهر، گناوه و دیلم

بیانیه حزب اعتدال و توسعه استان بوشهر در خصوص انتخاب استاندار دولت تدبیر و امید در استان بوشهر

در سایه بهره مندی از نیروهای خبره و هم افزایی و همراهی جمعی، گام های توسعه، با شتاب بیشتری برداشته خواهد شد



برادر بزرگوار، جناب آقای دکتر گراوند

استاندار محترم استان بوشهر

با سلام وعرض تحیت

در ادامه حرکت سرنوشت ساز مردم ایران در ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶، امروز شاهد انتخاب فرزندی برومند از جنس مردم و پرورش یافته در عرصه ی انقلاب و پایبند به ارزش های اصیل جمهوری اسلامی و معتقد به تحرک، تحول، توسعه و اعتدال گرایی بودیم، بر خود لازم می دانیم مراتب تقدیر و تشکر خود را از رئیس جمهور محبوب مان و هیأت محترم دولت بابت انتخاب ارزشمندشان و همچنین تبریک خالصانه به حضرتعالی اعلام داریم.

بی شک در برهه حساس فعلی که بیشترین دغدغه ملی حفظ همگرایی حداکثری، تشریک مساعی همه جانبه، توسعه تفکر جمعی است و به تبع آن دغدغه استانی نیز توسعه یافتگی همه جانبه، بهبود فرایندهای اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی آحاد مردم، شفافیت سیاسی، جذب حداکثری و نگاه به افق های بلند توسعه ای در قالب اسناد بالادستی است، انتخاب حضرتعالی می تواند گامی موثر در تحقق پتانسیل های ذاتی استان، اعم از مادی و معنوی باشد و ما امیدوارانه تحقق این پتانسیل ها به خصوص پتانسیل های انسانی استان را آرزومندیم و بر این اعتقادیم در سایه بهره مندی از نیروهای خبره و هم افزایی و همراهی جمعی، گام های توسعه با شتاب بیشتری برداشته خواهد شد. از همین جا ضمن اعلام همراهی همه جانبه با انتخاب دولت تدبیر و امید، صادقانه و خالصانه از همه طیف ها و نیروهای دلسوز که دل درگرو تعالی استان دارند همراهی با حضرتعالی را خواستاریم.

زکار زمانه میانه گزین

چو خواهی که یابی ز خلق آفرین

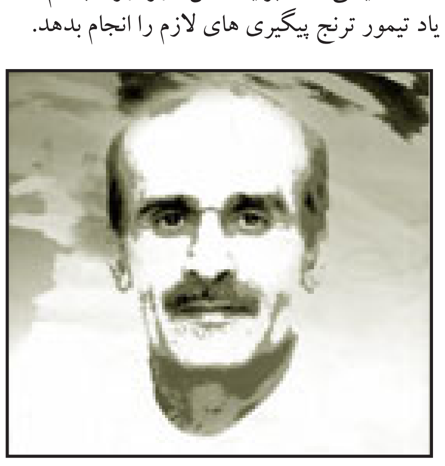
حزب اعتدال و توسعه استان بوشهر

در آیین نکوداشت زنده یاد تیمور ترنج در بوشهر عنوان شد؛

نام گذاری یکی از معابر یا اماکن پایتخت به نام تیمور ترنج

حق شناس: خیلی دوست داشتم در جمع صمیمی شما می‌بودم، حیف، امّا به دوستدارانش قول می‌دهم، پیگیر نام زنده‌یاد تیمور ترنج بر بلندای یکی از معابر یا اماکن فرهنگیِ شهر تهران باشم.

به گزارش روابط عمومی حوزه هنری استان بوشهر در مراسم نکوداشت زنده یاد تیمور ترنج در بوشهر متن نامه ای قرائت شد که بر اساس آن محمدجواد حق شناس، رییس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران به مردم بوشهر قول داد برای نام گذاری یکی از معابر یا اماکن شهر تهران به نام زنده یاد تیمور ترنج پیگیری های لازم را انجام بدهد.



بنا بر این گزارش، حق شناس در بخشی از نامه ای که به این مراسم ارسال کرده و توسط مجری برنامه، رسول پولادی قرائت شد، آورده است:

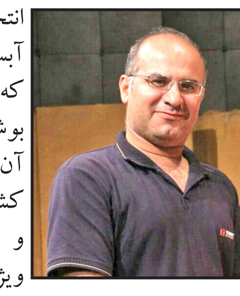
این‌بار، پس از سال‌ها غیبت نام او در محافل ادبی، همشهریان ارجمند بوشهری‌ام که تیمور ترنج از آن‌ها و با آن‌هاست، پا پیش نهاده‌اند و از تیمور ترنج می گویند. اجر یکایکشان، خصوصاً حوزه‌ی هنریِ بوشهر که باعث و بانیِ این مراسم باشکوه است، محفوظ و مشکور باد.

بر این باورم که شعر امروز ما، در این وانفسا، به مردانی از جنس تیمور ترنج نیاز دارد. کاش آشنایی من با او پیش از آن روزهای تلخ و دردآور بستری‌شدنش در بیمارستان نیروی دریایی تهرانَ اتفاق می‌افتاد. کاش تیمور ترنج هم در جمع شما بود و شماها به پاسداشت سال‌ها یکرنگی و شاعرانگی، پیش پای صمیمیت محض و مجسّم برمی‌خاستید... خیلی دوست داشتم در جمع صمیمی شما می‌بودم، حیف، امّا به دوستدارانش قول می‌دهم، پیگیر نام زنده‌یاد تیمور ترنج بر بلندای یکی از معابر یا اماکن فرهنگیِ شهر تهران باشم.

نقدی بر مواضع شیخ خدری در جریان انتصاب استاندار جدید بوشهر

از انتخابات ۹۶ تا انتصاب گراوند بر استانداری بوشهر

علی اسماعیلی



انتخابات ۹۶ در بوشهر آبستن اتفاقاتی بود که البته خاصه استان بوشهر نبود و به مشابه آن در بعضی شهرهای کشور نیز قابل مشاهده و لمس بود. اتفاقات ویژه حول و حوش شورای شهر بوشهر تقابل هایی را بین نیروی های اصلاح طلب بوجود آورد. در کنار آن رد صلاحیت عده ای از فعالین اصلاح طلب که باعث پیروزی و رأی آوردن شیخ خدری نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی توسط ایشان گردیدند، حرف و حدیث های فراوان را در پیش داشت.
بودن و یا نبودن سالاری پس از پیروزی روحانی در انتخابات، سخن مجامع مختلف جامعه گردیده بود و هر چه می گذشت نام سالاری به استانداری گیلان نزدیک تر و رفتن از بوشهر یحتمل تر می گردید که جناب خدری در مصاحبه ای خبر از اطلاع موثق بر ماندن ایشان در استانداری بوشهر را دادند!
اما ناگهان فردای مصاحبه، سالاری به عنوان استاندار گیلان منصوب شد تا عجله زدگی شیخ در سخن و اطلاع رسانی کمی بیشتر بارز شود. حال بوشهر بدون استاندار بود و نام هائی که هر لحظه و از هرگوشه به گوش می رسید. خبر نشست های بدون جمع بندی مجمع نمایندگان استان! خبر لابی های در مجلس! خبرهایی از توصیه ها و سفارشات! در این میان نام های استانداران دولت احمدی نژاد حاضر در مجلس چون افراشته و حسنوند نیز به گوش می آمد! گاهی از دغدغه مندی جناب لاریجانی رییس مجلس برای انتخاب استاندار بوشهر خبر می آمد! همگی لیستی داشتند و گزینه هایی برای معرفی!
اما خواسته مردم بوشهر و برندگان انتخابات ریاست جمهوری که با رأی به حسن روحانی حماسه اردیبهشت ۹۶ را خلق کرده بودند چه بود؟ بدون شک مردم به دنبال شخصی آشنا به استان و مورد اعتماد و نزدیک به دولت و البته از جنس اعتدال و اصلاحات بودند! طیف حامیان روحانی در استان از سیاسیون تا آحاد مردم خواهان تحقق وعده های انتخاباتی بودند! اما شنا کردن بعضی نمایندگان بر خلاف جریانات و خواسته های مردم و پافشاری بر تحمیل فردی خارج از طیف همراه دولت و اصولگرا به وزارت کشور موجی از نگرانی را در دل دوستداران استان زرخیز بوشهر بوجود آورده بود! تا اینکه پس از کش و قوس های فراوان دولت عبدالکریم گراوند که مردی از بدنه وزارت کشور و همراه و یاور دولت و با مش اعتدال و اصلاحات را برای تصدی استانداری بوشهر بود معرفی نمود!
اما سخنان و بیانیه های آقای خدری و اصرار بر آوردن استانداری اصولگرا خود حکایتی دیگر از نوع ناسازگاری و کوبیدن بر طبل مخالفت با دولت و خواسته طیف عظیمی از اصلاح طلبان که از حامیان همیشگی روحانی و انتخاب خود ایشان بوده اند دارد!
جناب خدری همجنس نبودن استاندار با دولت می توانست خود باعث بوجود آوردن اولین موانع میان ایشان و دولت گردد. می توانست اولین چوب لای چرخ اقتصاد استان شود، می توانست مسیر تقریبا هموار شده توسعه استان را پر از چاله ها و دست اندازهای فراوان کند.
استاندار نا آشنا با استان تا بخواهد زمام امور را بر دست گرفته و آشنا با دردها و اولویت های اساسی استان گردد زمان را به نفع کارآموزی خود و بر ضرر موکلین شما سپری می کرد.
آقای خدری چگونه گزینه غیر همخوان شما با دولت می توانست موجب جلو راندن استان شود اما گزینه مورد اعتماد دولت نمی تواند و به فرموده شما باعث عقب افتادگی استان خواهد شد؟
از گروه های سیاسی گفته اید که لابی به مراتب قویتر از شمای مجلس نشین که دارای قدرت و ابزار نظارتی بر وزرا هستید داشته اند! هر چند که این سخن شما به منزله ضعف در قدرت دیپلماسی شما با وزارت کشور می باشد بنحوی که به اعتراف شما گزینه گروههای سیاسی بر گزینه شما ترجیح داده شده است! اما ای کاش از این گروهها و اهداف خاصشان به صورت واضح با موکلین خود صحبت می کردید.
اما اینگونه که از بیانیه شما مشخص است همه عقب ماندگی استان بر گردن همه است الا شما نماینده مردم!
جناب خدری ای کاش ضمن احترام به خواسته مردم و انتخاب دولت، مسیر صلح و دوستی را برگزیده و همگام با دولتمردان گام در مسیر رشد و شکوفایی استان بر می داشتید! ای کاش نقش خود را بیشتر باور می کردید و می دانستید آوردن یک استاندار اصولگرا تمام دین شما به مردم نیست! و هنوز تا ادای دین به مردمی که به احترام "تکرار می کنم" های سید اصلاحات شما را بعنوان نماینده خود برگزیده اند فاصله فراوانی باقی است.
گراوند در ابتدای راه است و مسیر توسعه استان از همراهی و همدلی همه آحاد جامعه می گذرد و نه سنگ اندازی و اجازه دادن فرصت به زیاده خواهان و منفعت طلبان.

تحلیل مسئله دختران مجرد از منظر جامعه شناسی

در گفتگو با دکتر مصطفی مهرآیین



– در کشور ما به تبع تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جمعیت‌شناختی در دهه‌های اخیر، حوزه‌های مختلف زندگی نیز تحت تأثیر قرار گرفته که یکی از این حوزه‌ها ازدواج و مسایل مرتبط به آن است. در همین زمینه، می‌توان به افزایش سن ازدواج و گسترده‌تر شدن دامنه تجرد هم در میان پسرها و هم در میان دخترها در سال‌های اخیر اشاره کرد. اگر تمرکز خود را بر روی دختران مجرد قرار دهیم اکنون شاهدیم که بسیاری از دختران ایرانی در سنین بالای ۳۰ سال هنوز ازدواج نکرده‌اند و براساس برخی تحلیل‌های جمعیت‌شناختی، امکان ازدواج برای غالب آنها محدود است. از منظر جامعه‌شناسی چگونه می‌توان این موضوع را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد؟
– جامعه‌شناسی، علم پرداختن به دنیای مدرن است و مسأله اصلی آن دنیای مدرن است. همیشه فرض ما این است که دنیای مدرن سامانی از جنس سامان تفکر است. به همین دلیل وقتی وارد این بحث‌ها می‌شویم روی مفهوم عقلانیت، عقلانی‌سازی جهان و عقلانی شدن زندگی اجتماعی تأکید می‌شود. اما وقتی از منظر جامعه‌شناسی عشق و احساس نگاه کنیم خواهیم دید که دنیای مدرن به همان اندازه که یک سامان عقلانی است، یک سامان احساسی هم هست. به عبارت دیگر، مدرنیته نظام‌مندی عاطفی نیز دارد و می‌توان دنیای مدرن را از منظر نظم و سازمانی که بر احساس انسان حاکم است و تغییراتی که در آن ایجاد شده نیز مورد ملاحظه قرار داد. با این مقدمه، به بحث تجرد نیز می‌توان هم از منظر تحولاتی که در سامان عقلانی جامعه شکل گرفته و هم از منظر تحولاتی که در سامان احساسی جامعه به وجود آمده است، نگاه کرد. من در اینجا دوست دارم مسأله تجرد را بیشتر از منظر تحولاتی که در سامان احساسی جامعه در دنیای مدرن ایجاد شده است تحلیل کنم. اگر اجازه بدهید من اول نشان بدهم که اصولا تاکنون در پژوهش های اجتماعی از چه منظرهایی به این مسأله نگاه شده و اصولا تحولات در سامان احساسی دنیای مدرن را به چه شیوه هایی می توان تحلیل کرد.
یکی از مهمترین حوزه‌های این بحث، "جامعه‌شناسی تجرد" است. در اینجا سه سؤال جدی مطرح می‌شود. سؤال اول این است که کدام عوامل اجتماعی سبب شکل‌گیری پدیده تجرد شده‌اند؟ اگر بخواهیم همچون جامعه شناسان کلاسیک به جامعه شناسی نگاه کنیم سؤال اول و آخر ما در حوزه جامعه شناسی تجرد همین سؤال است. امروزه اما گفته می شود تأثیر جامعه بر شکل گیری پدیده ها تا حدودی است و حداقل می توان از منظر جامعه شناسی به طرح دو سؤال دیگر هم در مقابل پدیده های اجتماعی پرداخت. یکی از این دو سؤال مربوط به منطق درونی هر پدیده اجتماعی است که قطعا باید به تحلیل آن بپردازیم و سؤال بعدی مربوط به تأثیرات پدیده ها بر جامعه است و اینکه این پدیده ها با جامعه چه می کنند. بنابراین، دومین سؤال ما در خصوص تجرد به این نکته اشاره دارد که سامان و منطق درونی تجرد چیست؟ پدیده تجرد از یک منطق درونی خاص خود برخوردار است که باید آن را بشناسیم. زبان مربوط به تجرد، آیین ها و مناسک مربوط به تجرد، تفکرات در خصوص تجرد، روابط خاص انسانی در دنیای تجرد، پدیدارشناسی تجربه تجرد و دیگر مسایل از این گونه مربوط به دنیای خاص تجردند که باید آن ها را شناخت. به عنوان مثال، این که آدم‌ها چه اصطلاحات و جملاتی در این حوزه به کار می‌برند؟ به منطق درونی خود این پدیده باز می گردد، چون نشان‌گرهای زبان‌شناختی، احساسی و اخلاقی این آدم‌ها متفاوت است. مثلا در زبان انگلیسی می گویند "Don't marry be happy" و در ایران می‌گویند "تنها باش، خوش باش". این عبارات، گزاره‌هایی زبان‌شناختی و بیانگر زبان آدم‌هایی است که مجرد هستند و نگاه آنها را به زندگی نشان می‌دهد. سومین سؤالی که در این حوزه مطرح می‌شود این است که تجرد چه تأثیراتی بر جامعه دارد؟ چگونه تجرد می تواند باعث ایجاد تغییر در ارزش های اجتماعی، در هنجارهای ما، در نظم خانواده و حتی در شیوه معماری ما شود؟ اینها نمونه ای از سؤالاتی هستند که می توان از این منظر به طرح آن ها پرداخت.
حوزه دیگری که می‌توان از منظر آن به بحث تجرد پرداخت، "مطالعات فرهنگی تجرد" است. در این مطالعات می‌توان از این باب بحث کرد که گفتمان حاکم بر این حوزه از زندگی این گروه اجتماعی چیست؟ آنها از چه زبانی برای بیان احساس و وضعیت خود استفاده می کنند؟ آیا این زبان در راستای تثبیت قدرت یا در راستای تغییر قدرت است؟ در واقع، می‌توانیم این مسأله را مطالعه کنیم که تجرد چه ارتباطی با حوزه قدرت دارد. چون افراد مجرد دارای زبان و ویژگی‌های اخلاقی خاص خود هستند و سامان اجتماعی می‌تواند از آنها به منظور تثبیت انگاره‌های خود استفاده کند. این که تجرد در قوانین اجتماعی دیده نمی‌شود یا به معنای خاصی دیده می‌شود و اسلوب خاصی را بر آن حاکم کرده‌اند، در همین راستا قابل مطالعه است. وقتی در اولویت‌های دادن مشاغل، یک دختر مجرد در رتبه‌های پایین قرار می‌گیرد، از یک سو، این درست است که تجرد تحت تأثیر الگوی قدرت قرار می‌گیرد و طرد می‌شود، اما، از سوی دیگر، در اینجا عملا تجرد سازوکاری در دست قدرت است که تأهل را تثبیت می کند. هیچ وقت نباید پدیده را از سویه دیگر آن جدا کرد، تجرد نیز سویه دیگر تأهل است و این دو به هم پیوسته‌اند. قدرت با خلق مفهومی به نام تجرد و اختصاص برخی صفات به آن، خود را تثبیت می کند و سعی دارد سویه مقابل تجرد یعنی تأهل را تقویت کند.
از سوی دیگر، تجرد می‌تواند در خدمت تغییر نظم اجتماعی باشد. مثلا در می ۱۹۶۸ آدم‌هایی که الگوهای خاصی از رفتار، تفکر و تعاملات عاطفی و جنسی داشتند شورش کردند و نیروی اصلی تغییر در جامعه شدند. در انقلاب ایران هم می‌شود از این منظر نگاه کرد که انقلابیون افرادی جوان، دانشجو، مجرد و بدون تعلق بودند. یعنی بر پدیده تجرد به عنوان یک ویژگی اجتماعی می‌تواند ویژگی‌های دیگری مثل احساسی بودن، جوان بودن، پر تحرک بودن، بی اعتنایی به دنیا، بی اعتنایی به قوانین و بی اعتنایی به نظم اجتماعی عارض شود و این ویژگی‌ها می‌تواند باعث تغییرات اجتماعی باشد. در واقع، از منظر مطالعات فرهنگی می‌توان بحث کرد که تجرد چقدر در راستای حفظ قدرت است و نظم موجود را تقویت می کند و چقدر می‌تواند عامل تغییر باشد چون اگر از یک منظر دیگر نگاه کنیم افراد مجرد عامل خطر برای جامعه هستند.



یک سویه دیگر تجرد، خانواده یا تأهل است. در اینجا می‌توان این سؤال را پرسید که چقدر وجود امر تجرد در راستای تقویت نظم خانواده و چقدر در راستای ایجاد تغییر در خانواده است؟ در خانواده‌ها عبارت پسر و دختر مجرد یا "عزب" توسط زنان و مردان متأهل و پدر و مادرها خلق می‌شود. کلمه عزب به این معناست که نمی‌توانی ادامه نسل بدهی، در جذب کردن آدم‌ها به سمت خودت ناتوان هستی یا این که در ویژگی‌های روحی، روانی و جنسی اختلال داری. همه این کلماتی که بزرگ‌ترها ایجاد می‌کنند به این معناست که می‌خواهند پدیده تجرد را تحت کنترل درآورند تا تأهل را تثبیت کنند. از این منظر درست است که تجرد موضوع سخن است اما سازوکار آن در اصل تثبیت تأهل و خانواده است. پس این یک منظر است که پدیده تجرد را از منظر ساختارهای قدرت مورد توجه قرار دهیم و در مورد ساختارهای کلان قدرت جامعه نیز می‌توان همین بحث را مطرح کرد.
از منظر "مطالعات روایت‌شناسی" یا "مطالعات پدیدارشناسی" نیز می‌توان به مطالعه پدیده تجرد پرداخت. از این منظر، تجرد یک احوال انسانی و گونه‌ای از تجربه زیسته است و این سوال مطرح می‌شود که فهم و روایت آدمی که این نوع از زندگی را تجربه می‌کند از زندگی، ازدواج، تأهل، خانواده و دیگران چیست؟ این سوال مهم است چون از این منظر، تجرد یک حالت وجودی، یک شکل زیستن و یک نوع جهانیت و در جهان بودن است. از این منظر، تجرد در نسبت با ازدواج و تأهل نیست، بلکه افراد مجرد انسان‌های خاصی هستند که نگاه خاصی به زندگی و مسایل آن دارند. پس می‌توان پرسید قصه زندگی آنها و روایتشان از زندگی چیست؟
یک حوزه مطالعاتی دیگر در این خصوص، "مطالعات شهری و تجرد" یا "جغرافیای تجرد" است. در این مطالعات این سوال مطرح می‌شود که آدم‌های مجرد چه چیزی را بر نظم شهری عارض می‌کنند؟ مثلا تصوری که از زندگی شهری وجود دارد، وجود خانه و خانواده است. اما امروزه با پدیده خانه‌های مجردی و فضاهای مختص مجردها مواجه هستیم. مثلا عمده فضای پارک‌ها توسط مجردها اشغال می‌شود یا در برخی از رستوران‌ها قسمت خانوادگی و قسمت مجردها جدا هستند. این تأثیری است که پدیده تجرد بر فضا و نوع ساماندهی کالبد محیطی عارض می‌کند.
از منظر "مطالعات مارکسیستی" نیز می‌توان به مطالعه مسأله تجرد پرداخت. در این حوزه مطالعاتی اگر فرض کنیم چیزی به اسم خانواده و نظم غالب وجود دارد پرسش اصلی این است که چه کسانی از این نظم نفع می‌برند و چه کسانی ضرر می کنند؟ پرسش دیگر این است که در نفس پدیده تجرد چه کسانی بیشتر آسیب می‌بینند؟ تعریف اولیه تجرد این بود که افراد مجرد عمدتاً بالای ۳۰ سال هستند، ازدواج نکردند و با کسی هم زندگی اشتراکی ندارند. اما در تعریف امروزی، زنان مطلقه‌ای که ممکن است صاحب فرزند باشند هم جزو افراد مجرد محسوب می‌شوند. در حوزه مطالعات مارکسیستی سؤال این است که چه کسانی آسیب‌پذیرتر هستند؟ و جامعه باید به افراد آسیب‌پذیرتر، عطف توجه کند. در واقع، از نگاه مارکسیستی پدیده تجرد پدیده یک‌دستی نیست و می‌شود آن را برش زد و درون آنها گروه‌ها و حلقه‌های متفاوتی را جستجو کرد.
– اگر نگاه مطالعه‌کننده «کارکردی» باشد، سؤالی که مطرح می‌شود این است که تجرد چه آسیبی به جامعه می‌زند؟ و چون تجرد همیشه در مقابل خانواده است از این منظر می‌شود گفت تجرد نوعی اختلال در کارکرد است؟
– از زاویه دید پدیدارشناختی اگر نگاه کنیم، تجرد یک حالت روانی و تجربه زیسته است که البته ممکن است این حالت روانی چندان کارآمدی نداشته باشد و تجربه زیسته مخربی باشد. طبعا سیستم‌های اجتماعی از نگاه کارکردی به موضوع نگاه می کنند و اگر برای سیستمی که کلیت جامعه نظم اجتماعی را تعریف می کند، مسأله خانواده مهم باشد بی شک تجرد را تأیید نمی کند و در قوانین خود به آن توجه ندارد.
از زاویه مطالعات "تحلیل گفتمان انتقادی" نیز می‌توان پدیده تجرد را مورد مطالعه قرار داد. از این منظر این گونه گفته می شود که حول مفهوم تجرد یک دنیای گفتمانی شکل گرفته است که می توان به تحلیل آن پرداخت.گفتمان ها یا مربوط به آن چیزی هستند که توده های مردم در این باره گفته اند یا مربوط به نخبگان جامعه اند. بنابراین، می توان به تحلیل گفتمان تجرد پرداخت. مثلا بگوییم چه گفتمانی در خصوص تجرد در هنر، ادبیات یا دنیای سیاسیون وجود دارد. همچنین، زبان دولت‌های مختلف در خصوص تجرد مهم است چون این زبان خنثی نیست، پر از منافع است، هم معنابخشی می کند و هم منافع را طراحی می کند. چیزی که در نظم اجتماعی ممکن می‌شود ریشه در این گفتمان‌ها دارد. پس اگر زبان نخبگانی مانند هنرمندان، سیاسیون، فلاسفه و ... را تحلیل کنیم، می‌توانیم بفهمیم که از درون این زبان‌ها چگونه نظم اجتماعی بر آدم‌هایی که ذیل پدیده تجرد قرار می گیرند عارض می‌شود. آن‌گاه می‌توانیم نگاه انتقادی داشته باشیم که نظم موجود چقدر در راستای حفظ منافع انسانی این گروه است و چقدر گفتمانی که شکل گرفته و نظم اجتماعی را می‌سازد در مخالفت با منافع این گروه قرار دارد.
زاویه دیگری که از منظر آن می توان به تحلیل مسأله تجرد پرداخت، زاویه دید فوکویی است. مسأله فوکو تبارشناسی سوژه مدرن بود و می‌خواست بداند این سوژه‌های مدرن چگونه شکل گرفته‌اند. برای این کار هم سه کار انجام داد، یکی این که به جستجوی نحوه شکل گیری انسان مدرن در زبان علوم پرداخت. کار دیگر فوکو این بود که شکل گیری سوژه مدرن را در نهادها دنبال کرد. مثل این که در نهاد زندان چگونه سوژه زندانی، در نهاد تیمارستان چگونه سوژه دیوانه و در نهاد بیمارستان چگونه سوژه بیمار شکل گرفتند. سومین مرحله کار فوکو توجه به این مسأله بود که ما در تفسیر از خودمان چگونه سوژه را ممکن می کنیم؟ یعنی فوکو معتقد بود برخلاف جهان گذشته که افراد بیشتر در پی پالایش اخلاقی خودشان بودند، جهان مدرن جهان اعتراف اخلاقی است. یعنی به زبان روانکاوانه well being یا خوب بودن و خوب زندگی کردن، دیگر مسأله انسان مدرن نیست، بلکه well saying یا خوب حرف زدن و بیان خوب خود در جهان هم مسأله اوست. فوکو می گفت همان‌طور که ما در علم خودمان را بیان کردیم و علم و نهادهای مدرن ما را بیان کردند و از ما سوژه مدرن ساختند، ما هم خودمان را در اعترافات شخصی‌مان مثلا در ادبیات که شکل مدرن اعترافات کلیسایی است یا سینما، خودنگاری‌ها و زندگی‌نامه‌نویسی‌ها بیان می کنیم.
فوکو معتقد بود ما در تفسیری که از خودمان داریم، خودمان را می‌سازیم. پس می‌شود از این منظر نگاه کرد که تجرد یا انسان مجرد هم یک سوژه انسان مدرن است. البته، به این معنا نیست که انسان مجرد قبل از این وجود نداشته، بلکه مسأله این است که در دنیای مدرن بر انسان مجرد یک هویت عارض می‌شود. یعنی اجتماع حول افراد مجرد دنیاهای گفتمانی را تقویت می کند و از آنها هویت‌های خاص مثبت یا منفی می‌سازد. اگر هویت ساخته شده مانند انسان کارکن در نظام سرمایه‌داری، مثبت باشد که آنها را می‌پذیرد اما اگر هویت ساخته شده مانند فرد دیوانه یا بیمار منفی باشد آنها را طرد می کند و به حاشیه می‌راند.
از این منظر می‌توان نگاه کرد که انسان مجرد به معنای آدمی که هویت مجرد دارد و ویژگی‌هایی بر او عارض است یکی از سوژه‌های مدرن است. این سوژه هم در گفتمان علمی و هم در نهادها خلق می‌شود. به هر حال، نهادهایی که متولی قوانین و مقررات مربوط به خانواده هستند همیشه برای این که پدیده انسان متأهل را ممکن و قابل فهم کنند در مقابل آن پدیده انسان مجرد را می‌سازند و وجوهی را هم بر آن عارض می کنند. پس این هم یکی دیگر از حوزه‌های مطالعاتی است که ببینیم انسان مجرد چگونه به عنوان یکی از سوژه‌های مدرن خلق می‌شود. ترکیب گفتمان، کردار و نهاد یک نظم و سامانه را تشکیل می‌دهد. از آنجایی که سامانه، نظمی است که به یک سو تمایل و گرایش دارد پس گرایش سامانه تجرد نیز به سمت و سوی خاصی است.
اینها اشکال مطالعاتی هستند که می‌توان از منظر آنها به مطالعه پدیده تجرد پرداخت. از منظر هر یک از اشکال مطالعاتی نیز می‌توان سه موضوع رابطه پدیده تجرد با جامعه، منطق درونی و نوع تجلی تجرد و تأثیرات آن بر جامعه را بررسی کرد.
ادامه دارد...
(منتشر شده در سایت مهرخانه پایگاه خبری تحلیلی خانواده و زنان)

هویت یابی انسان ایرانی در عصر مدرن

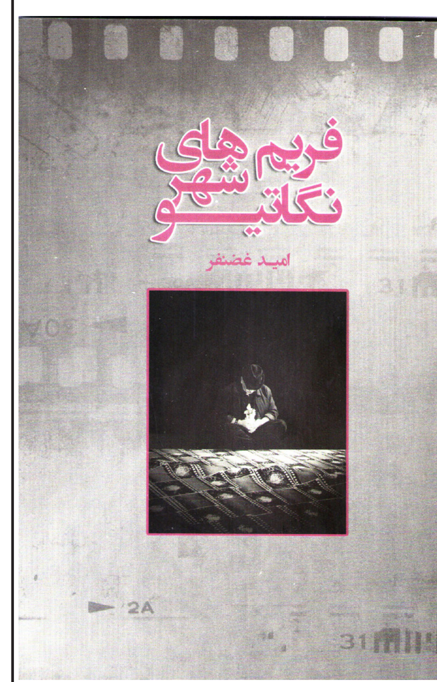
دکتر محمدباقر تاج الدین



انسان ایرانی در عصر مدرن برای هویت یابی دچار چالش های جدی ای شده است، به گونه ای که نمی داند در انبوهی از تنوعات فرهنگی و سطوح متعدد آگاهی در کدام ساحل آرام و مطمئن قرار یابد و کشتی متلاطم روح و جان خویش را در کدام لنگرگاه پهلو بگیرد. گاهی بر اساس فرهنگ دینی خودش به زیارتگاه های مذهبی می رود و دعا می خواند و نیایش می کند، گاهی دیگر شاهنامه می خواند و بر مزار بزرگان ملی مانند کوروش و فردوسی و حافظ و سعدی حاضر می شود، گاهی به سینما و تئاتر و ورزشگاه و کنسرت می رود یا در پاساژها و مراکز خرید مدرن به پرسه زنی مشغول می شود، گاهی در تنهایی و انزوا فرو می رود و دچار فردگرایی افراطی می شود، گاهی در جمع های کسل کننده و ملال آور حضور می یابد و گاهی خود را پرتاب شده در جهانی کر و کور و بی هدف می یابد.
انسان ایرانی در مرحله گذار بین سنت و مدرنیته اساسا نمی داند کدام را برگزیند و کدام یک می تواند نجات بخش او باشد. اگر چه مدرنیته رفته رفته به هویتی مسلط و غالب برای انسان ایرانی تبدیل می شود اما هنوز دل در گرو سنت های باقی مانده از گذشته دارد و گویی در هروله بین سنت و مدرنیته روزگار سپری می کند. انسان ایرانی در چنین فضایی برای هویت یابی دچار سردرگمی های دلهره آوری شده است که گویی بر سر چند راهه هایی قرار گرفته که ورود به هر کدام از این راه ها برایش غیر ممکن گشته است. انسان ایرانی در فضاهای مختلفی قرار گرفته که به لحاظ تاریخی و معرف شناختی سطوح واحدی ندارند. او اکنون در اقلیم های گوناگون حضور دارد و هر اقلیمی معرف یک سطح آگاهی است. حال چگونه می تواند این اقلیم های حضور را دریابد و یا یکی از این اقلیم ها را برگزیند تا به واسطه آن به سرمنزل مقصود برسد. در چنین فضایی یافتن هویتی یکسان، مشخص، روشن، هماهنگ، نامتناقض، سرراست، و هدفمند بسی دور از انتظار خواهد بود و اساسا چنین هویت های مشخص و روشنی گویی دیگر در دسترس نیستند. اگر انسان ایرانی را دارای حیثیت تاریخی آن گونه که فیلسوفان گفته اند، بدانیم آن گاه می بینیم که افق های تاریخی متفاوت و گوناگون ساحت وجودی انسان ایرانی را تشکیل داده و به بیان گادامر اکنون به آمیزش افق ها رسیده است و صد البته کارش سخت تر و دشوارتر از گذشته شده است چرا که اکنون به بیان داریوش شایگان در کتاب افسون زدگی جدید «همه اعصار تاریخ بشریت را به صورت در هم آمیخته در خود گرد آورده» و تفکیک این ساحت ها و اعصار البته کاریست سترگ و مردافکن.
اکنون پرسش اصلی و اساسی در بحث هویت یابی انسان ایرانی این است که هویت ایرانی را چه بنامیم و چه بدانیم؟. ایرانی؟ اسلامی؟ مدرن؟ تاریخی؟ فراتاریخی؟ چندگانه؟ ترکیبی؟ و این که هماهنگی تمامی این پاره های فرهنگی و هویتی چگونه ممکن است؟ و ایرانی در این جنگل فرهنگی و هویتی کدام یک را باید برگزیند و در کدام مسیر و جاده فرهنگی باید که گام نهد و طی مسیر کند؟
به نظر من هویت یابی انسان ایرانی در دوره جدید بسیار سخت و پیچیده است و اگر در این راه دچار سرگشتگی ها و سردرگمی هایی چند شده است باید به او حق بدهیم و صد البته باید به یاری اش بشتابیم و بر روشنفکران و اندیشه مندان فرض است که در این راه سترگ و دشوار گام های محکم و اساسی بردارند و ایرانیان را برای هویت یابی اش راهنمایی کنند و دستش را بگیرند که ره تاریک و لغزان است/ وگر دست یاری سوی کس یازی به اکراه آورد دست از بغل بیرون که سرما سخت و سوزان است!!!

معرفی کتاب

فریم های شهر نگاتیو



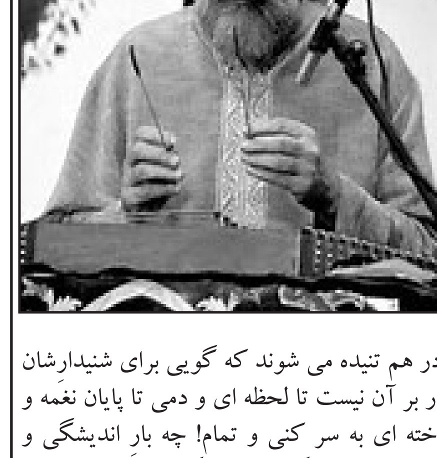
این کتاب دربرگیرنده مجموعه شعرهایی از امید غضنفر می باشد که توسط انتشارت شاملو به چاپ رسیده است.

شعری که در زیر آورده شده است نمونه یی از این مجموعه شعر می باشد که به مانایاد محسن شریف راوی راستین هستی تقدیم گردیده است.

بر این وطن
چه گذشته است؟
تندیس های پوسیده
در اندرونی دوزخ
زائده های تاریخ مردینه
و وایاوای وطن
در مضحکه ی سلطان و
ملیجک و ببری
بر این وطن
که گذشته است؟
سر سلسله
خواجه ی جهل و جنون
سراسر سلسله
کرمان های بی نگاه
فین های خیس خون
چند امیر
بایسته بود کبیر
تا جغرافیای جیغ
رها شود
از تاریخ تیغ

خزانِ صبحِ مشتاقان به یاد جاودانه سرو آزاد؛ پرویز مشکاتیان

حسام حق پرست: حضور و حیاتِ هنری و زیست موسیقایی پرویز مشکاتیان نه تنها مسیر ذهن و گنجای اندیشه را در گستره ی نغمگی و ضربآهنگ قرار داده و آن را همه جانبه و کامل می پروراند چه هر کدام از آثار و آفرینه هایش ادبیّات،فلسفه، جامعه شناسی، تاریخ را هم نمایان می سازد و این آمیختگی مشخصّه های موسیقایی و عناصر جامعه شناختی چنان سخت کوشانه و تمام معنا به هم بافته



و در هم تنیده می شوند که گویی برای شنیدارِشان قرار بر آن نیست تا لحظه ای و دمی تا پایان نغمه و نواخته ای به سر کنی و تمام! چه بارِ اندیشگی و قوای موسیقی مشکاتیان بی شک همانَ عرق ریزانِ روح می خواهد و ژرفای خیال و اندیشه را طلب می کند تا در رسی به شوریدگی ها چنان که حافظ و مولوی!

و چه جای صحبت و نوشتار در غم و خزان که بی حضورش فرا می رسد هر سالَه با حجم فراوان نوشته ها و گفته ها و نواخته های یارانش در چاووش و عارف و بزرگانِ فرهنگ و هنر این سرزمین و باز تنها بر جای مانده خزانِ صبحِ مشتاقان و ما و موسیقی جاودانه اش!

نگاهی به فیلم «تیک آف» ساخته کارگردان بوشهری احسان عبدی پور

تیک آف و نسل تازه اعتراض

دکترشهناز عرش – استاد دانشگاه تهران



نویسنده و کارگردان اهل بوشهر است. این نوشتار قصد دارد با خوانشی ناتورالیستی به تحلیل داستان فیلم بپردازد. در واقع نگاه به فیلم در اینجا نگاه صرف به متن است نه ویژگی های بصری و سینمایی.

خلاصه داستان فیلم

تیک آف با دستگیری ۳ جوان (فائز، حمزه و مصی) در یک جاده خلوت در بوشهر و کنار ماشین پاترولشان آغاز می‌شود. بخش عمده فیلم روایت فائز شخصیت محوری فیلم است. در واقع فائز در حال روایت سرگذشت خودشان برای مرد بازجوست. فائز موزیسین و نوازنده‌ی نی‌انبان است که به خاطر شرایط سخت مالی مجبور به نواختن در عروسی‌ها شده است. پدرش تمام هستی خود را ظرف مدت هشت دقیقه در قمارخانه کریم الکل از دست داده است. به قول فائز: «فرم زندگی ما تو سه هفته عوض شد.» پس از این جریان، مادر فائز پس از گذشت سه ماه فوت می کند. خواهر فائز (آتنا) نیز که به خاطر بی‌پولی قید دانشکده خلبانی را زده و انصراف داده دچار افسردگی می‌شود. دامون برادر خردسال آنها نیز افسرده است و به ندرت حرف می‌زند. پدر با وجود عزادار بودن بچه ها ازدواج مجدد می کند و آنها را به حال خود وا می گذارد. پس از مدتی آتنا دست به یک خودکشی ناموفق می‌زند و افسرده تر می‌شود. جوانی به نام حمزه که یک موزیسین اهل خرمشهر است نیز با آنها زندگی می کند. مصی نامزد سابق فائز که پرستار بیمارستان است در جریان خودکشی آتنا دوباره وارد زندگی آنها می‌شود و با آمدن شیرو (شیرزاد) دوست قدیمی آنها به بوشهر جمع قدیمیشان زنده می‌شود. شیرزاد که جزو گروه موسیقی فائز بوده بعد از رها شدن توسط نامزدش سیمین، برای کار روی کشتی به دبی می‌رود و پنج سال تمام به مرخصی نمی‌آید. حالا او با کلتی به بوشهر آمده تا سیمین را بکشد. فائز درصدد است او را از این کار منصرف کند و موفق هم می‌شود. داستان اصلی فیلم از زمان بازگشت شیرو شکل می گیرد. آتنا که ظاهرا به شیرو علاقه دارد. جشن تولدی برای دامون برادرش می گیرد تا او را از این حال و هوا دربیاورد. خصوصا اینکه دامون بسیار شاهد بحث و مرافعه خواهر و برادر خود است. بعد از جشن و رفتن مهمانان فائز و آتنا همراه با شیرو، حمزه و مصی و دوست دیگرشان مشغول بازی حکم می‌شوند.

به پیشنهاد شیرو با چرخاندن بطری (که رسمی در کشتی است) و نشانه رفتن سر بطری به طرف یک نفر، حاکم و دزد انتخاب و شرطی نیز گذاشته می‌شود. شروطی مانند خوردن نفت، شکستن شیشه، کتک زدن همسایه خلافکار و خرد کردن میز قمار کریم الکل و... این بازی آن چنان فائز و بقیه را مشغول و سرخوش می کند که برای مدتی از زیست تلخ و غمبار خود کنده می‌شوند و شروع به تفریح و شادی می کنند. اما نکته اصلی فیلم و آنچه بیننده را در تعلیق نگاه می‌دارد، شرطی ناگفته است که منجر به مرگ آتنا و پایان تلخ فیلم می شود. شیرو هنگام بازگشت به دریا به آتنا می گوید که دوست داشته حاکمش باشد. آتنا می پرسد که چه خوابی برایش دیده و شیرو با اشاره به او می‌فهماند که حکمش پرواز اوست. آتنا آنچنان تحت تأثیر شیرو قرار گرفته و آن قدر به پرواز عشق می‌ورزد که تصمیم می گیرد به صورت غیر قانونی هواپیمایی را در یک پایگاه هوایی به پرواز درآورد. پس از بحثی مفصل با فائز بالاخره برادرش را راضی می کند تا او در اجرای حکم یاری کند. فائز همراه با حمزه و مصی مسیر فرود آتنا را آماده می کنند و آتنا مخفیانه به پایگاه هوایی می رود که قبلا با دوستش به آنجا می رفته و شاهد پرواز هواپیماها بوده. گره فیلم در این قسمت باز می‌شود و مشخص می شود که چرا در آغاز فیلم فائز و همراهانش دستگیر شده اند. روایت ماجرا از زبان فائز برای بازجو به پایان می رسد و باقی ماجرا به تصویر کشیده می شود. آتنا در فرود آوردن هواپیما مشکل دارد و برج مراقبت با او تماس می گیرد. در این میان آتنا مجبور می‌شود فائز را به آنها معرفی کند. صحنه ابتدایی فیلم که در واقع صحنه های پایانی فیلم است به سبک مدرنیستی در این قسمت تکرار می‌شود. مأموران فائز را به برج مراقبت می‌برند تا با آتنا صحبت کند. چون معتقدند هواپیما مشکلی ندارد و آتنا خودش قصد فرود ندارد. در صحبت آتنا با فائز آنچه می‌شنویم اظهار ناراحتی او از وضعیت پیش آمده است و اینکه دوست دارد زندگی کند. اما به واقع بیننده در نوعی ابهام می‌ماند که آیا آتنا قصد خودکشی دارد یا نه؟

فیلم با صحنه هایی روشن و گرم به پایان می‌رسد. دامون برادر افسرده آنها پس از مرگ خواهر به نوعی گشایش می‌رسد. پرده ها رو به یک سو می کشد و دوربین روی کتاب نت او زوم می کند.

اینکه عبدی پور در نگارش قصه فیلم تا چه حد به مسأله سبک توجه داشته و به چه اندازه زیر سایه آن است، مسأله این نوشتار نیست. این نوشتار درصدد است با توجه به مؤلفه های سبک ناتورالیسم به خوانش داستان فیلم بپردازد. مؤلفه هایی که به زعم نگارنده در این فیلم نمود و برجستگی خاصی دارند و شاکله قصه را ساخته اند. کاربست برخی از این مؤلفه ها در کنار مشاهده گری تیزبینانه سازنده، جغرافیای داستان فیلم، بازی گرفتن نسبتا خوب از چهره هایی که نسبتی با فضای اقلیمی مربوط ندارند و نیز روایت جانداری که از زبان شخصیت فائز می شنویم (فائز در واقع کار راوی را در داستان می کند.) فیلم را از ورطه ای که ممکن است به واسطه درونمایه تکراری اش در آن بیفتد می رهاند. در زیر به برخی از المان های ناتورالیستی موجود در فیلم می پردازیم:

دشواری بقا: دشواری بقا از المان ها و درونمایه های اصلی ناتورالیسم است که در فیلم تیک آف هم نمود بسیار دارد. زندگی شخصیت ها همراه با رنج و عذاب است و هر یک از آنها با دشواری ها و شرایط نا گواری مواجه اند. قهرمان این سبک زمینه های سقوط خود را فراهم می آورد. (می توان شخصیت های محوری این فیلم را سه نفر دانست. فایز، آتنا و شیرو. اما قهرمان اصلی آتناست. زیرا فیلم با همه وقایعی که نمایش می دهد در نهایت به آتنا و پرواز او می رسد. او قهرمان قصه ناتورالیستی است که پایان تراژیک آن را رقم می زند.)

فائز جوانی است که در سخت ترین شرایط گذران معاش می کند. پدرش زندگی شان را در قمار می‌بازد و آنها را به حال خود رها می کند. مادر پس از مدت کوتاهی دق می کند و می‌میرد و سایه مرگ او بر زندگی فائز و خواهر و برادرش آتنا و دامون می‌افتد. فائز جوان هنرمندی که نی انبان می‌نواخته و در گروهی هنری فعالیت می کرده اما اکنون به دلیل شرایط خاص اقتصادی مجبور به نواختن در عروسی هاست. این مسأله چماقی می‌شود که مصی نامزد سابقش در یکی دو دعوا بر سر او می کوبد. به این مسأله می توان آسیب شناسانه نگریست. فایز پنهانی حشیش مصرف می کند و بسیار غمگین است. زندگی سخت هنرمندان جوان در جامعه و قدر ندیدن در این فیلم به خوبی بازنمایی می شود. در واقع موسیقی جنوب از عناصری است که در قصه تیک آف تأکید بسیاری روی آن می شود و صحنه های متعددی از نواختن را درآن شاهدیم.

یکی از صحنه‌های فیلم که جذابیت خاصی دارد، صحنه رفتن فائز به محفل عروسی است. او بعد از خودکشی ناموفق خواهرش مجبور است به سر کار برود. آیرونی خاصی در این قسمت وجود دارد که از دیده مخاطب تیزبین پنهان نمی‌ماند. فائز با پیراهن سیاه نی انبان می‌نوازد و صدای شور و شادی همراه با رقص کودکان گوش را پر می کند. فائز با صورتی اندوهگین شادمانه می‌نوازد و خنده و شادی در صورت حاضران هویداست. تنها خود فائز می‌داند در دلش چه می گذرد. گویی او به هر جمعیتی نالان است و جفت بد حالان و خوشحالان. بیننده ای که درد فائز را می‌داند بی شک از شنیدن صدای ساز او دلتنگ می‌شود. خود فائز نیز طی روایت خود برای بازجو به این مسأله اشاره می کند: «گندترین کار جهان اینه که صبحش خواهرتو با ۱۵ تا بخیه از بیمارستان تحویل بگیری، عصرش تو عروسی مردم مجبور باشی قر بدی.»



آتنا خواهر فائز به دنبال ورشکستگی پدر و مرگ مادر دچار افسردگی شدید می‌شود. او عاشق پرواز است. بعد از ترک دانشکده خلبانی به خاطر مسائل مالی و از دست دادن رویای پرواز گوشه گیر و غمگین و افسرده می‌شود. در جایی از فیلم فائز می گوید: «آتنا مرده. جسدشه که هر روز صبح پا می شه و نفس می کشه.» می توان گفت درونمایه اصلی در این فیلم پرواز است (همان طور که از نام فیلم پیداست) اما سایه شرط بندی و اجرای حکم بر آن افتاده و کمرنگش کرده است. پروازی که ابتدا به خاطر دشواری های زندگی منجر به سقوط دختر ۲۶ ساله شده و او را تا پای مرگ پیش برده. (می توان گفت مسأله شرط بندی با بطری که موازی با میز رولت کریم الکل در قصه پیش می رود باعث دوپاره شدن داستان شده است. یک پاره شخصیت ها و بطری و حکم و پاره دیگر آتنا و رویای پروازش. از این جهت تم داستان تا حدودی معلق است). آتنا همچون پرنده ای که بال هایش شکسته نمی‌تواند پرواز کند و به اوج آسمان برسد. اویی که آن قدر عاشق پرواز بود و با دوستش برای تماشای پرواز هواپیماها به پایگاه هوایی می‌رفت به شیرو می‌گوید وقتی صدای هواپیما را می‌شنود بالا می‌آورد. آتنا درگیر دنیای ملال آور و روزمره شده است و زیستی همراه با درد و رنج دارد. رنجی که او را تا پای مرگ می برد.

شیرزاد (شیرو) جوان بوشهری که به دلیل شرایط ناگوار احساسی پنج سال تمام روی آب بوده و اکنون با کلتی به بوشهر آمده تا انتقام خود را از سیمین نامزد سابقش بگیرد. سیمینی که مرد دیگری را به او ترجیح داده و ترکش کرده است. شیرو به خاطر تحقیری که شده، توانش را از دست داده و با عذاب مفرط زیست می کند. تفاوت او با بقیه انتخاب آزادانه خودش برای زندگی سخت تر است. اما بازگشت او به بوشهر دنیای دوستانش را عوض می کند. به فایز و آتنا جرأت می دهد و آنها را وارد بازی می کند تا شاید از این وضعیت دشوار دور شوند. شیرو به آتنای غمگین انگیزه می بخشد. اظهار عشق آتنا به او و سکانس های جذاب فیلم است.

حمزه جوان خرمشهری که بعد از مرگ پدرش و شرایط ناگوار خانواده شهرش را ترک می کند و با ساز خود به بوشهر می‌آید و با فائز آشنا می شود؛ جوان غیرتمندی که فائز و خانواده اش را عاشقانه دوست دارد و با ساز زدن در خیابان امرار معاش می کند.

دامون برادر کوچک فائز و آتنا پسر بچه ای افسرده است که به خاطر شرایط وحشتناک و مرگ مادر در خودش فرو رفته و صحبت نمی کند. او آرام و اندوهگین فقط می‌نگرد و به کتاب دعا پناه می‌برد. دامون کوچک سهم عمده ای در نمایش رنج و سختی زندگی خانواده دارد. او بی آنکه سخنی بگوید با نگاه های غمگنانه خود ترجمان دشواری زندگی و شرایط اسفناک خانواده اش است. حتی جشن تولدی که برایش می گیرند هم لبخند به لبانش نمی آورد. دیالوگ «آبجی خیلی بدبختُم» از زبان پسربچه نمایش غمگینی از دشواری بقاست.

حیوانی بودن طبع انسان: باید گفت شخصیت های فیلم فاقد این خصیصه هستند. اتفاقا آنها سادگی و زلالی خاصی دارند و در کنار شرایط ناگوار زندگی در پی یافتن روزنه امید و بهبود شرایط اند. شاید بتوان این ویژگی را تا حدی در شخصیت پدر خانواده دید. مردی زیاده خواه و شهوتران که قمار می کند و بچه هایش را نادیده می گیرد. اما شخصیتی که سرشتی حیوانی دارد و می توان این مؤلفه ناتورالیستی را در او بعینه دید، کریم الکل است؛ کریمی که قمارخانه اش بنیان خانه ها را فرو می ریزد. او چنان منفور است که در بازی حکم، حاکم به خرد کردن میز قمار او حکم می‌راند و فائز با صورتی پوشیده میز را بر سر او و مشتریانش خرد می کند. (مخاطب می پندارد که این باید رویداد کلیدی فیلم باشد اما این گونه نیست و رویداد اصلی در کنش آتنا نمود می یابد. می توان گفت این دو کفه تقریبا هم وزن پاشنه آشیل فیلم است.)

جبر زیست شناختی: در ناتورالیسم انسان ناچار است که به الزام های زیستی تن بدهد. این الزام ها را در زندگی تک تک شخصیت ها می‌توان دید. آنها تحت تأثیر محیط و وراثت ناچار از پذیرش وضعیت موجود از زندگی احساس رضایت ندارند و دچار کشمکش درونی هستند. در سبک مورد بحث کشمکش دو گونه است: یکی کشمکش انسان در برابر طبیعت و دیگری کشمکش انسان در مخالفت با خود. البته این نوع کشمکش در داستان فیلم با کشمکش هایی که به فرض در ناتورالیسم چوبکی می بینیم تفاوت دارد. فائز درونی پر جوش و خروش دارد و با زندگی و شرایط سخت در جنگ است. شیرو درگیر مسأله ای است که به زعم خودش هر جا که برود دست از سرش بر نمی‌دارد. او دریا را برگزیده تا میان خروش امواج، آرام گیرد و به قول خودش می‌خواهد آن قدر روی آب بماند تا آبشش در بیاورد و برود لای مرجان ها و با یک عروس دریایی زندگی کند. آتنا می کوشد رویای پروازش را عینی کند و با جسارت دست به این عمل می‌زند. حمزه با وجود فقر موجود به سرای سالمندان می‌رود و برای پیرمردان و پیر زنان می‌نوازد. پس لزوما کشمکش آنها در تخالف با خود نیست. اما می‌توان گفت آنها در برابر طبیعت و شرایط می‌ایستند و در شرط بندی شان هم این مسأله نمود کامل دارد. کارهای آنها خلاف روال طبیعی زندگی است. آنها عقده های سرکوب شده خود را می گشایند و اتفاقا به خلاف روایت های ناتورالیستی کنشگر هستند تا کنش پذیر. آنها بانی رخدادها هستند و اگر چه اراده شان مقهور جبر اقتصادی، اجتماعی و وراثت است اما سعی می کنند قربانی وضعیت موجود نباشند. موجوداتی نیستند که اسیر رانه های درونی و وجوه منفی خود باشند و در واقع به غرایز حیوانی صرف فروکاسته نمی شوند. آنها سلاحی در دست دارند که به واسطه آن جهانی از شوق و شور را خلق می کنند؛ سلاحی که گاه نفسی است دمیده در نی انبان و گاه دستی است رقصان بر ساز.

موسیقی نکته ای است که به صورت یک زنجیره در سراسر متن کشیده شده است. آنها با نواختن خود را تخلیه می کنند. موسیقی عبدالحلیم بر بستر فیلم جاری است، حتی اگر صدای او هم به گوش نرسد. هموست که در خیال فائز به او می گوید که با آتنا جنگ نکند. جمله بسیار زیبای فائز درباره او و از جذاب ترین گفته های فیلم است: «عبدالحلیم وسط کوچه نفتی مجمو گرفت و کشید داخل خونه دایی ام. صداش انگار ترمز تمام جهانه.» دایی فائز را می توان شخصیت مرشد گونه ای در نظر گرفت که بارها فائز را اندرز می دهد. مرد دریانورد دنیا دیده با آن هیئت سنتی و بینش روشن فائز را به احترام به پدر دعوت می کند:« پدر مرده اش هم پدره.» رابطه دایی با فائز رنگی از شوخی و طنز نیز دارد. طنزی که صبغه ای روشن به جبر موجود می‌بخشد.

تأثیر ناگزیر خصائل ارثی و محیطی در رفتار: نمی توان گفت لزوما خصائل ارثی در شخصیت ها وجود دارد. فائز نقطه مقابل پدر است. حمزه متفاوت با افراد خانواده خود است که برای رسیدن به ما ترک خانوادگی به جان هم می افتند و همین سبب فرار حمزه و آمدنش به بوشهر شده است. اما تأثیر شرایط محیطی و اجتماعی را می‌توان بر رفتار شخصیت ها دید. شرایط دشواری که رابطه آتنا و فائز را با وجود محبت بسیار با آنها به پرخاش و مجادله می کشاند؛ ارتباط عاشقانه فائز را با مصی را فرو می‌پاشاند؛ دامون را افسرده می کند و شیرو را به زندگی روی آب سوق می‌دهد و... شرایطی که گاه منجر به رفتارهای خشونت بار نیز می شوند. برای مثال می توان به اولین بازی در شب تولد دامون اشاره کرد و رفتار خشن حمزه با شیرو که به زخمی شدن او منجر شد یا رفتارهای عصبی و پرخاش جویانه آتنا در مواجهه با برادرش فایز. اما در خلال فیلم می‌بینیم که شخصیت ها در جستجوی راهی اند که دمی از این شرایط دشوار فاصله بگیرند. حتی با بازی حکم و اجرای شرط هایی که در تقابل با قوانین اجتماعی است.

ناکامی در اعمال اراده فردی: در این سبک فرد بیهوده تصور می کند که قادر است به اراده خود با جهان ستیزه کند. اتفاقا در این فیلم عکس این مسأله را شاهدیم. شخصیت ها برای مواجه با شرایط موجود و ستیز با جهانی که درها را به رویشان بسته تلاش می کنند. آنها طی بازی حکم و آنچه در آن لحظه می‌خواهند می‌اندیشند و اجرایش می کنند. حمزه حاکم می‌شود و به فائز حکم می کند که به در خانه مرد ساقی خلافکاری برود که در همسایگی شان است و هنگام خودکشی آتنا حرف های رکیکی درباره او و به فائز زده. حمزه می‌اندیشد که فائز باید حالا در برابر او بایستد و دست از ترس بردارد. فائز این کار را انجام می‌دهد و چهره جسورانه ای از خود به نمایش می گذارد حال آنکه قبلا بسیار منفعلانه و به دور از مرام های مردانه جنوبی از کنار آن مرد و سخنان بی پایه اش گذشته است. آتنا نیز با آنچه مانع پرواز او شده می‌ستیزد. مخفیانه به پایگاه می‌رود و هواپیما را به پرواز در می‌آورد. او با خواست اراده خود با شرایط می جنگد و رویای پروازش را محقق می کند؛ خواست و اراده ای که شیرو و سخنانش به تقویت آن کمک می کند. دامون کوچک در برابر شرایط اسفناک زندگی می‌ایستد و تولدی دوباره می‌یابد. فائز دچار استحاله ای می‌شود که آن را می توان در ایستادن در برابر مرد خلافکار و نیز حمله به قمارخانه کریم الکل دید. حمزه و شیرو همانند اهرمی عمل می‌کنند که در تغییر شرایط موجود نقش برجسته ای دارند. شیرو حتی به فائز سفارش می کند که به طرف مصی برگردد و اینجاست که روزنه هایی از امید در پس این همه یاس و غم دیده می‌شود. روزنه هایی که در پایان فیلم نور و روشنی و رنگ را به خانه محل سکونت فائز به ارمغان می‌آورند.

نکته جالبی که در فیلم هست، خانه چوبک است. فائز طی روایتش برای بازجو از این خانه می گوید؛ خانه ای بزرگ با معماری خاص و سنتی که آنها موقتا ساکن آنند. به شرطی که هرگاه یکی از چوبک ها بیایید باید آن را تخلیه کنند. در اینجا بینامتنیتی پدید می‌آید و مخاطب را به یاد صادق چوبک و داستان های ناتورالیستی اش که بی شباهت به این فیلم نیستند می‌اندازد. حال این چوبک به صادق چوبک و خانه ای که در بوشهر از آن خانواده اوست ارتباط دارد یا نه، آن چنان اهمیت ندارد. مهم تداعی است که صورت می گیرد. خانه چوبک خانه ای زیبا با پنجره های رنگی است اما ساکنانی سرد و زخمی دارد. فائز از خانه چوبک و گرمای آن می گوید و از سردی خودشان: «خونه چوبک می ارزید توش زندگی باشه. یه خونواده گرم باشه. ما ... ما سیبری بودیم.»

تضادی که در اینجا به وجود می‌آید قابل توجه است؛ تقابل سردی و گرمی؛ اینکه یک خانه در نداشت و بزرگ و پر از گرما هم نمی‌تواند یک خانواده سرد و بدبخت را سرحال بیاورد. سخنان فائز در این باره صرفا نمایش واقعیت نیست بلکه نشانگر ناچاری از پذیرش شرایط سخت و تنگناهای موجود است. فیلم نمی‌خواهد تنها به بازنمایی واقعیات موجود بپردازد بلکه قصد دارد وضعیتی را نمایش دهد که به وجود آورنده این واقعیت هاست؛ وضعیتی که تا وقتی برقرار است، این واقعیات تلخ را هم استمرار می‌بخشد. گویا آمدن شیرو و افتادن گروه به بازی حکم راهی است برای فرار از این جبر مستمر. حتی اگر پایان ماجرا مرگ تراژیک آتنای جوان باشد. به هر روی پایان دردناک و تراژیک که معمولا با مرگ عجین است از ویژگی های سبک ناتورالیسم است.

عکس برداری لجام گسیخته: راوی داستان ناتورالیستی همه جریانات را مو به مو و مفصل شرح می‌دهد و با شرح جزییات به مکان رویدادهای داستان و زمان آن می‌پردازد. او هیچ چیز را از قلم نمی‌اندازد. اگر به غیر از راوی فیلم تیک آف، بخواهیم راوی دومی را در نظر بگیریم، او فائز است که از لحظه دستگیری به روایت اتفاقات موجود و شرح ریز به ریز وقایع برای بازجو می‌پردازد و این روایت تا رفتن به برج مراقبت و صحبت با آتنا ادامه دارد. البته مصی و حمزه نیز به دفعات اندک وارد روایت می‌شوند و چند کلامی سخن می گویند. شاید در نظر اول جملات بریده بریده و از این شاخه به آن شاخه و شرح جزییات در میان روایت فائز کمی طولانی و نامرتبط به نظر برسد اما در حقیقت این خاصیت متون ناتورالیستی است. به نظر منطقی نمی رسد فایز و دوستانش در اتاق بازجویی پایگاه آن هم در شرایطی که آتنا در آسمان سرگردان است و نمی تواند فرود بیاید (یا نمی خواهد فرود بیاید) شروع به داستان سرایی کنند. آنها آرام و شمرده حرف می‌زنند. فائز از همه چیز می گوید و تمام جریانات پیش آمده را مو به مو توضیح می‌دهد. مخاطب هم در این میان در تعلیق می‌ماند که جریان از چه قرار است و حتی بازجو از فائز می‌خواهد که به حرفهایش و تعریف وقایع ادامه دهد. البته مخاطب صرفا در قسمتهای فرجامین قصه وقتی متوجه دلیل دستگیری فائز و مصی و حمزه می‌شود و کاری که آتنا کرده، به این مسأله غیر منطقی می اندیشند. اما می توان با توجیهاتی این مسئله را نادیده گرفت و فائز را راوی تقریبا کلی دانست که به روایت قصه فیلم می پردازد. (در برخی از وقایعی که فائز به تعریف آنها می پردازد خودش حضور ندارد. برای مثال صحبت پنهانی شیرو و آتنا در آشپزخانه یا حرف هایی که آتنا به برادرش دامون می‌زند و این از نظر داستان نویسی ایراد است). به هر روی فیلم به سان داستان های ناتورالیسمی به عکس برداری لجام گسیخته و مهار نشده از وقایع می‌پردازد.

در پایان می توان گفت عبدی پور در تیک آف به زوایای تاریک زندگی فردی و اجتماعی می پردازد و به وضعیت اجتماعی موجود انتقاد می کند. او رخدادهای عینی را دستمایه قرار می دهد و پلشتی های جامعه را با قمارخانه و میز رولت نمادین کریم الکل به تصویر می کشد. گویی که مسبب همه مشکلات فایز و خانواده اش کریم الکل است. عبدی پور با تسلط و مهارت خاص خود، مایه های بسیاری از فرهنگ جنوب را می گیرد و با دیالوگ های بی نظیری که نشان از حرفه ای بودن او در زمینه داستان نویسی دارد به آسیب های فردی و اجتماعی مانند تنهایی، حس حقارت، فقر، مواد مخدر، قمار و ... می پردازد. برخی مؤلفه های سبک ناتورالیسم در تیک آف مشهود است. اما عبدی پور سبک خاص خود را دارد. پرسوناژهای او با وجود فقر و رنج و تنهایی ذاتا شادند و امیدوار. او از مرگ قهرمان فیلم وسیله ای برای گشایش می سازد. گشایشی که با گستردن قالی در اتاقی روشن توسط دامون صورت می گیرد و پرده هایی که کنار زده می شوند تا روشنی و گرما به ساکنان خانه چوبک برگردد. مرگ تراژیک آتنا به همان اندازه شیرین است. مرگی در اوج و در حال پرواز. مرگی که نهایت آن دریاست. گویی آتنا بی آنکه آبشش دربیاورد عروس دریایی می شود و شاید روزی شیرو به او بپیوندد.

بیماری خیابان‌گردی !

دکتر ژیان پور جامعه شناس علت جذابیت خیابان



برای طبقات متوسط به لحاظ اقتصادی و پایین به لحاظ فرهنگی را وجود عنصر "غریبگی" در آن می‌داند و اینکه در خیابان می‌توان از تحت نظارت بودن خارج شد و غریبگی پیشه کرد، "غریبه" اما نه کاملا بیگانه و آشنا نه آنقدر که دل آزار. پاسخ‌های روانشناختی به غریبگی و در میان غریبگان بودن و کشف بی دردسر حوزه‌های جدید همان موضوعیست که از نظر این مدرس دانشگاه برای جوانان بسیار جذاب است.

ژیان‌پور می‌گوید که در روستا و پای چشمه همه هم را می‌شناختند اما در خیابان‌های امروزین این "غریبگی" است که فریبنده به نظر می‌رسد.

به اعتقاد برخی جامعه شناسان "دیدن" و "دیده شدن" اساس خیابان گردی است. در خیابان به واسطه "مد"، طبقه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فرد پنهان می‌شود و ادبیات خیابانی زبانی یکسان است که مملو از جملات کوتاه، عریان و هجوآمیز است، زبانی که با آن می توان نیاموختگی و کم دانستگی خود را پنهان کرد.

این جامعه شناس می‌گوید: در کشورهایی مانند فرانسه مردم از خیابانگردی گذر کرده و به کافه نشینی روی آورده اند اما در برخی کشورها نیز پس از تماشای تلویزیون خیابانگردی دومین مقوله ایست که افراد با آن وقت فراغت خود را پر می‌کنند. این مدرس دانشگاه اضافه می‌کند که در بادی امر نمی‌توان خیابانگردی را پدیده‌ای منفی تلقی کرد بلکه ابتدا باید بپذیریم که پدیده ای تحت این عنوان داریم و در صورتی که آمار آن به یکباره افزایش پیدا کند و موج خیابانگردی و پرسه زنی در جامعه رواج پیدا کند "مرضی" بودن پدیده قابل بررسی است.

وی لازم می‌داند تأکید کند که جوان بودن جامعه ایران و کمبود امکانات تفریحی و برخی دلایل دیگر می‌تواند عامل افزایش خیابانگردی باشد که البته باید در مجالی مشروح بررسی شده و مورد مطالعه قرار گیرد.

منبع: باشگاه اندیشه

چرا ما عکس پروفایلمان را عکسی غیر از عکس خودمان انتخاب می کنیم؟

مهرداد کفاشی

به نظر می رسد دلایل برای این پاسخ فراوان باشند و رمز و راز این موضوع، فرضیه ی خام چندین تحقیق باشد.

شاید دلیل اصلی ترس از دیده شدن باشد، اینکه ما تصویرمان را در محیطی بگذاریم که به راحتی توسط غریبه ها دیده می شود. احساس عدم امنیتی است که به ما دست می دهد، ما را از عمومی کردن تصویرمان بر حذر می دارد.

دلیل دوم عدم رضایت خویشتن از تصویر خود است. این مورد شاید به دلیل خود زشت انگاری باشد. شاید بازخورد محیط برای دیدن چهره یمان، بازخورد شاد و جذابی نبوده و لذا ترجیح می دهیم که دیده نشویم.

دلیل دیگر ممکن است برای دفع مزاحمت باشد. همیشه افراد مزاحم با پیام ها و کامنت های لوس و بی معنا و خفیف، موجبات نارضایتی درونی ما می گردند.

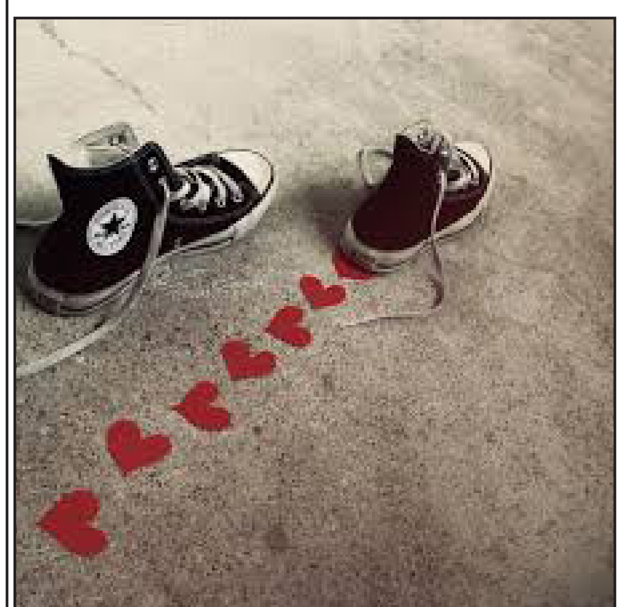
اما در کشور ما دلیل دیگری هم باید به دلایل فوق افزود: اینکه تجربه نشان داده، زمانی که شما عکس پرفایلتان تصویر غیر از خود واقعیتان هست:

۱- مورد قضاوت کمتری واقع می گردید.

۲- در اکثر موارد نوشته هایتان با دقت بیشتری خوانده می شود. چرا که روشنفکرانه تر به نظر می رسید.

۳- شما در جواب دادن بی پرده تر هستید. تعارف را به راحتی می توانید کنار بگذارید و بدون ترس جواب بدهید.

۴- سن شما نامشخص است. همین باعث می شود که مخاطب هایتان محدوده بیشتری را در بر داشته باشد. کلامتان گروه هدف بیشتری را در بر دارد.



اما اگر از این موضوع بگذریم، پروفایل پیکچر شما چندین پیش فرض را در ذهن مخاطب می گذارد:

۱- اگر شما مدام تصویر پروفایلتان را عوض می کنید، مخاطب به نظرش شما آدم insecure هستید. اعتماد به نفس کمی دارید. ناپایدارید، بی قرارید.

۲- اگر شما عکس سلبریتی را در پروفایلتان دارید، در ذهن مخاطب یک حس عدم موفقیت ایمپلای می کند.

۳- اگر شما در تصویر پروفایلتان زیاد عکس های صمیمی و قربون صدقه ای را می گذارید، احتمالا شما در یک رابطه ی ناپایدار هستید.

۴- اگر عکس پروفایل شما جمله ای کوچه بازاری باشد، شما بیشتر حالت حمله دارید. شکست های متنوع شما را پرخاشگر کرده.

افرادی که عکس های قرون وسطایی را در پروفایلشان دارند، انسان های مرموز و پیچیده ای هستند. حواستان به آنها باشد.

درباره ی عکس پستانداران و پرندگان و گل و بچه و نی نی هم چیزی نمی گویم.

رفتارشناسی «بلاک» در فضای مجازی

دکتر عباس نعیمی جورشری (جامعه شناس)

در دانشگاه از زبان دانشجوهایم، در دفتر مشاوره از زبان مراجعه کنندگان و در محیط اطراف از زبان نزدیکان، بارها درباره ارتباطاتشان و "بلاک" کردن شنیده ام. اغلب آنها به عنوان امری بدیهی و طبیعی در روابط مجازیشان از بلاک کردن نام می برند. به نظر می رسد این عمل کم کم تبدیل به امری رایج و یک سنت رفتاری فراگیر در روابط مجازی مردم شده است. الگویی که بر توسعه یافتگی شخصیت فرد و نهایتا جامعه ایران تأثیرات عمیق دارد. اما چند نکته؛

۱. شبکه های ارتباطی بشر چندین نسل را پشت سر نهاده اند. از شبکه های ارتباطی اولیه که به تمدنهای ابتدایی باز می گردد تا نسلهای جدیدتر ارتباطی که منبعث از انقلاب صنعتی بوده است. شبکه های اجتماعی مبتنی بر اینترنت آخرین این نسلها هستند. نوع و لوازم ارتباطی هم در این شبکه ها خاص خود است. از جمله این امکانات بلاک کردن است. امکانی که به واسطه آن مخاطب قادر نخواهد بود پیامی ارسال کند و تماسی برقرار نماید.

۲. هابرماس جامعه شناس آلمانی در نظریه معروفش – کنش ارتباطی- درباره ضرورت ارتباط و تبادلات عقل ارتباطی صحبت می کند تا به واسطه آن جهان آزادتری رقم بخورد. بر این نظرم که هابرماس بر نقطه مهمی انگشت نهاده است.

در واقع ارتباط در نفس خودش تکامل زاست. تحقیقات رفتارشناسی نشان داده است که ارتباط در توسعه شخصیت انسانی و نیز ساختارهای اجتماعی عامل زیربنایی است.

۳. بخشی از بلاک کردن ها در رابطه با افراد ناشناس در گروههای مختلف رخ می دهد که دلایلش مزاحمت، پیامهای اسپم یا اهانت آمیز است. بلاک این موارد معقول و موجه است مانند جهان واقعی که در مواجهه با مزاحمت خیابانی یا دعوا و فحاشی، ترجیحا صحنه را ترک می کنیم و اینگونه فرد را از لیست ارتباطیمان حذف می نماییم.

اما موارد دیگر بلاک شامل آزارهای مذکور نیست. این موارد درباره آشناها، تفاوتهای فکری و روابط عاطفی رخ می دهد که یا به پایان رسیده و یا آن که اختلاف نظری در گرفته است.



۴. کسی که یک آشنا را حسب اختلاف نظر یا تضادی ذهنی بلاک می کند درون خود دچار نوعی استیصال و درماندگی است اگرچه بدان واقف نباشد. در واقع این نوع بلاک دلیل ناتوانی استدلالی یا شخصیتی فرد است. لذا فرار می کند. کانال ارتباطی را قطع می کند. به لحاظ روانی از ارتباط می هراسد. احساس ضعف دارد و از طریق بلاک می خواهد حس ضعفش را مخفی یا جبران نماید. خشم به عنوان عامل عمده در اینجا فعال است و آدمی را به منتها الیه ناتوانی و تصمیم نادرست هدایت می کند.

تصور کنید دو کشور بخاطر اختلافات سیاسی و فرهنگی سفارتهای خود را تعطیل کنند و روابط دیپلماتیکشان را قطع نمایند گویی هم را بلاک کرده اند. در اینصورت جهان بشری دچار خدشه ای شده است. تصور کنید دهها کشور چنین رویه ای در برابر هم در پیش گیرند، هم را بلاک کنند. جهان چه جهانی خواهد شد؟! جهانی در سراشیبی و اضمحلال. جهانی بسوی بن بست!

هر انسانی چنان یک کشور است. یک قلمرو دارد. حاکمیتی دارد که بر قلمرواش حکمرانی می کند. وقتی ما کسی را بلاک می کنیم گویی سفارتخانه امان را تعطیل کرده ایم. اینطور راه هرگونه ارتباط را بروی وی می بندیم. اجازه سخن گفتن را از او می گیریم. امکان "وقوع" توضیح و "مفاهمه" از بین می رود. کنش در پشت ممنوعیت، حبس می شود. پرچم قدغن بالا می رود. این خطاست. چه بسا زمانی دورتر پیامی از سر محبت ارسال شود یا توضیحی نوشته گردد و کدورت رفع یا کاسته شود. گره گشوده شود. اما مسیر بسته شده است. دیگر سفیر و سفارتخانه ای در کار نیست!

۵. در موارد عاطفی نیز صحیح تر است بجای بلاک، "خداحافظی" کنیم. اگرچه زخم های عاطفی به عدم تعادل می انجامد و بازیابی تعادل بعضا ماهها زمان می برد و معقول عمل کردن سختتر است. با اینحال در این موارد هم می توانید پاسخ ندهید بدون آنکه بلاک کنید. بلاک همواره نوعی حمله یا نوعی اهانت به طرف مقابل است. اهانت هم محصول ضعف درونی خود آدمی است. سزاوار است به حرمت لحظات مشترک پیشین، به سمت اهانت حرکت نکنید. این نوع بلاک بیشتر در افراد جوانتر و تجربه های عاشقانه دیده می شود.

۶. در یک جمع بندی می توان بیان داشت "انسانهای توسعه یافته" دارای عزت نفس و متانت فکری هستند و از شخصیتی توانمند و محترم برخوردار می باشند. آنها در رنجش ها، در اختلافات و تفاوتها به سمت حذف مخاطب نمی روند. رنجیده می شوند اما وزن خویش را حفظ می کنند. دیگری را بلاک نمی نمایند.

تأثیر تحولات تکنولوژیکی بر رشد بهره وری

پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۵ بیش از نیمی از مشاغل فعلی در جهان به دلیل تحولات تکنولوژیکی دیگر وجود نداشته باشد.

همچنین به علت نفوذ و توسعه فناوری‌های نو و جایگزین شدن روبات‌ها با کارکنان، رشد بهره‌وری، بیش از دوره‌های قبلی باشد.

رشد سالانه بهره‌وری در اقتصاد جهانی ناشی از تحولات تکنولوژی در بازه‌های زمانی مختلف:

۰.۳ درصد با اختراع موتور بخار طی سال‌های ۱۹۱۰-۱۸۵۰

۰.۴ درصد تکنولوژی روباتیک ۲۰۰۷-۱۹۹۳

۰.۶ درصد فناوری اطلاعات در دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۵

۰.۸ تا ۱.۴ درصد اتوماسیون (روبات‌ها، هوش مصنوعی و ماشین‌های یادگیرنده) در دوره ۲۰۶۵-۲۰۱۵

برای نخستین بار؛

جدیدترین روش درمانی سرطان پیشرفته پروستات در بوشهر نهادینه شد



رئیس مرکز تحقیقات هسته‌ای خلیج‌فارس بوشهر گفت: جدیدترین روش درمانی مولکولی هدفمند در سرطان‌های پیشرفته پروستات و غددی-عصبی برای نخستین بار در بوشهر نهادینه شد.

به گزارش خبرنگار مهر، پروفسور مجید اسدی در جمع خبرنگاران اظهار داشت: طی بیش از یک سال به‌کارگیری مقدماتی روش‌های درمانی مولکولی هدفمند با هماهنگی و همکاری بی‌بدیل سازمان انرژی اتمی، وزارت بهداشت، بخش پزشکی هسته‌ای بُن آلمان و اساتید توانمند بخش سرطان‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر پذیرش بیماران نیازمند به این روش درمانی به شکل منظم و برنامه‌ریزی‌شده آغاز شد.

عضو وابسته فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران با ذکر برتری‌های این روش درمانی بر دیگر روش‌های رایج افزود: از جمله مزایای این روش نوین درمانی که ترانوستیک (Theranostics) نام دارد کاملاً هدفمند بودن و قابل رصد بودن فرآیند درمانی و نحوه عملکرد بر سلول‌ها است به شکلی که داروی تزریق‌شده برای درمان تنها بر سلول‌های سرطانی تأثیر دارد و سلول‌های سالم را برخلاف روش‌های شیمی‌درمانی از بین نمی‌برد و عوارض کمتری دارد.

هزینه های درمانی پائین

فلوشیپ تصویربرداری پیشرفته پزشکی از دانشگاه هاروارد خاطرنشان کرد: این روش نوین درمانی تنها در چند کشور پیشرفته دنیا و با صرف هزینه‌ای بالغ بر ۳۰ میلیون تومان برای هر دوره درمانی که شامل چهار دوره است به کار گرفته می‌شود.

پروفسور مجید اسدی در رابطه با هزینه‌های روش درمانی مولکولی هدفمند در ایران بیان داشت: در ایران درمان بیماران با همکاری و همدلی سازمان‌های مرتبط با هزینه‌ای معادل یک‌دهم هزینه در کشورهای خارجی قابل انجام است.

فلوشیپ PET-CT از دانشگاه استانفورد گفت: تومورهای پیشرفته پروستات در حدود ۲۰ درصد از سرطان‌های پروستات و تومورهای غددی-عصبی بالغ‌بر ۴۰ زیرگروه از سرطان‌های مختلف بدن مانند دستگاه گوارش، لوزالمعده، ریه، مغز و فوق کلیه را شامل می‌شود.

استفاده از شیوه های نوین درمانی

فلوشیپ قلب و عروق پزشکی هسته‌ای از انجمن قلب آمریکا و آسیا خاطرنشان کرد: با توجه به گسترش بیماری‌های سرطانی و نیاز مبرم به استفاده از روش‌های نوین درمانی امیدواریم در دیگر نقاط کشور نیز برای این موارد اقدام شود.

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با اشاره به مراجعه بیش از ۸۰ درصدی بیماران خارج از استان برای تشخیص بیماری و درمان به استان بوشهر افزود: در شش‌ماهه نخست سال جاری بیش از ۲۰۰ بیمار از نقاط مختلف کشور و کشورهای همسایه در مرکز ید درمانی و رادیو نوکلوئید بوشهر وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر درمان شدند.

موفقیت های درمان سرطان در بوشهر

رئیس مرکز تحقیقات هسته‌ای خلیج‌فارس بوشهر افزود: درمان بیماران با سرطان‌های مقاوم به ید و رادیواکتیو برای نخستین بار در خاورمیانه، درمان سرطان‌های تمایزیافته تیروید با یُد و مواد رادیواکتیو، درمان با MIBG برای بعضی از تومورهای کودکان، درمان سرطان‌های پیشرفته غددی-عصبی، درمان سرطان پیشرفته پروستات، درمان روماتیسم پیشرفته مفاصل، درمان بیماری پرکاری تیروید با مواد رادیواکتیو و درمان سرطان متاستازی استخوان با مواد رادیواکتیو از جمله مواردی است که در مرکز تحقیقات هسته‌ای خلیج‌فارس بوشهر با موفقیت انجام‌گرفته است.

پروفسور اسدی افزود: بیماران برای دریافت نوبت و کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به وب‌سایت مرکز ید درمانی و رادیو نوکلوئید بوشهر مراجعه کنند.

مدیرکل ارتباطات و فناوری اطلاعات بوشهر:

حمایت از بخش خصوصی و کسب و کارهای نوپای حوزه آی‌سی‌تی استان بوشهر

مدیرکل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان بوشهر از حمایت از بخش خصوصی و کسب و کارهای نوپا در حوزه آی‌سی‌تی از طریق تسهیلات وجوه اداره شده خبر داد.

به گزارش خبرنگار مهر، علی سملیان در نشست بررسی حمایت از بخش خصوصی اظهار داشت: وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات از شرکت های بخش خصوصی و کسب و کارهای نوپا در حوزه ICT از طریق وام وجوه اداره شده حمایت می کند.

وی با اشاره به جزئیات این طرح خاطرنشان کرد: تسهیلات اعطایی در پنج دسته‌بندی مختلف شامل طرح‌های فناورانه، نرم‌افزارهای موبایل، بازی‌های رایانه‌ای، سرمایه گردش و استارت‌آپ‌ها تقسیم بندی می‌شود.

مدیرکل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان بوشهر بیان کرد: در خصوص نرم‌افزارهای موبایل علاوه بر اشخاص حقوقی و شرکت‌ها، اشخاص حقیقی نیز می‌توانند ثبت نام کنند.

وی در خصوص نحوه ارسال طرح‌ها بیان کرد: متقاضیان می‌توانند با مراجعه به سایت نسبت به ثبت‌نام اقدام کنند که روال داوری و تأیید طرح‌ها نیز در کارگروه کشوری صورت می‌پذیرد.

سملیان اضافه کرد: اگر تعداد طرح های ارسالی از ۱۵ طرح بیشتر شود امکان تشکیل کارگروه استانی نیز میسر می‌شود.

بازدید سرمایه‌گذاران یونانی از ظرفیت‌های اقتصادی بوشهر

هیئت سرمایه‌گذاری از کشور یونان با حضور در چند واحد تولیدی از ظرفیت‌های اقتصادی بوشهر و



همچنین از بندر بوشهر و جزیره نگین بازدید کردند.

به گزارش مهر؛ معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع انسانی استاندار بوشهر در حاشیه این بازدید اظهار داشت: استان بوشهر دارای ظرفیت بالایی برای سرمایه‌گذاری است و ویژگی‌ها و قابلیت‌های بالایی دارد.

سعید زرین‌فر از ساحل و بندر بوشهر به عنوان یک ظرفیت بسیار مهم یاد کرد و ادامه داد: ساخت تأسیسات و تجهیزات دریایی، پرورش و تولید آبزیان و صید و صیادی از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در ساحل و دریای استان بوشهر است.

وی از کشاورزی خارج از فصل به عنوان یکی دیگر از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری استان نام برد و اضافه کرد: استان بوشهر جایگاه ویژه‌ای در صادرات دارد و هم‌اکنون بخشی از صادرات ترکیه به قطر از طریق ایران انجام می‌شود.

معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع انسانی استاندار بوشهر با اشاره به توسعه مناطق ویژه اقتصادی در سطح استان، افزود: مشوق‌های بسیار خوبی برای سرمایه‌گذاری در این مناطق تعریف شده است.

وی با اشاره به بازدید این هیئت یونانی از منطقه ویژه اقتصادی بوشهر و توانمندی‌ها و قابلیت‌های بندری و ظرفیت‌های صادراتی و وارداتی، گفت: نشست‌های بررسی ظرفیت‌های اقتصادی استان بوشهر با حضور این هیئت برگزار می‌شود.

با کارگران همدردیم

سیاوش گرمسیری نژاد- فعال کارگری



زان یار دلنوازم شکریست با شکایت
گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت
هر خدمتی که کردم بی مزد بود و منت
یا رب مباد خلق را مخدوم بی عنایت

حکایت من حکایت کارگری است که همیشه در پایین ترین سطح جامعه ها قرار می گیرد. کارگری که با دست های زمختش کار می کند که هیچ وقت شرمنده ی خانواده اش نشود. دست هایش از زور گرفتن آچار تاول دارد و وقتی با تو دست می دهد فکر می کنی به دستت خار فرو می رود اما تو می فهمی که پوست دست هایش از بس با آهن برخورد داشته ترکیده و آن قدر ترک برداشته که شبیه سیم خاردار است. کارگری که در ظهر گرما خیز تابستان به هیچ چیز جز روزی حلال فکر نمی کند و کار می کند و عرق می ریزد و حق اعتصاب و اعتراض هم از آن‌ها گرفته می‌شود و همچون تابویی به آن نگریسته می‌شود؟ چرا به تندی با آنها برخورد می کنند به دلیل اینکه برای حقوق از دست رفته شان اعتراض کرده اند. این امر، داستان دیروز و امروز نیست. همه مسئولان در شعارهای خود، به دست کارگر بوسه زده و حرکت چرخ اقتصادی کشور را مرهون این قشر و زحمات آن‌ها می‌دانند. اما درد کارگر داستان ما، در دل خودش است. بوی ماه مهر می آید اما دستش خالی است با چه زبانی باید به بچه ها بفهماند که بابا پول ندارد، چگونه بفهماند که چندین ماه است حقوقش را نداده اند. بغضی در گلویش است که توان بازگو به هیچ کس جز خدای خود را ندارد. در این لحظه است که حدقه های چشم کارگر پر از آب می شود اما با غیرتی که دارد و فشاری که به خود می آورد، نمی خواهد بگذارد که اشک هایش سرازیرشده و گونه هایش را خیس کند.

اما در دل خود می گوید:

چه کنند اگر تحمل نکنند زیر دستان
تو هر آن ستم که خواهی بکنی که پادشاهی

با خودم فکر می کنم که چه کلمه ای است که می تواند کارگر را خوب توصیف کند؟ به ذهن خود فشار می آورم! خیلی از کلمات در ذهنم نقش بسته است اما باید کلمه ای باشد که گویای همه دردهای یک کارگر باشد. آری پیدا کردم خودش است،



درد! و چند بار کلمه ی درد را تکرار می کنم و دوباره با کمی تأمل و دردآلود، می گویم: درد! با خود می گویم: چهره ی کارگر زحمتکش پر از درد است. نوشتن کلمه درد راحت است، دیدن چهره های افسرده و دردآلود و مفلوک کارگران به وفور یافت می شود، ولی تحمل درد و گرسنگی سخت است و سخت تر از آن، اینکه قلم من قاصر از نوشتن، و به تحریر در آوردن درد می باشد.

حکایت من برای تمام کارگران سرزمینم است که هم چنان سال هاست صورت شان را با سیلی سرخ نگه داشته اند و آرزوهایی بر دل شان مانده است که هیچ وقت دیگر محقق نمی شود.

کارگر که باشی تازه می فهمی چگونه باید نداری ات را با لحظه به لحظه زندگیت گره بزنی و در حالی که به کودکانت لبخند می زنی یک دنیا غصه را پشت چشم هایت پنهان کنی.

کارگر که باشی گاهی مجبور می شوی خودت را پشت خروارها درد پنهان کنی تا همسر و فرزندانت ناتوانی ات را نبینند تا هم چنان همان همسر خوب و همان پدر مهربان همیشگی باشی.

کارگر که باشی گاهی هم مثل همه مردهای دنیا ممکن است دلت بگیرد و بخواهی کمی گریه کنی. گاهی نداری و نا امنی آن قدر آزارت می دهد که ناگزیر از گریه کردنی.

کارگر که باشی تا آخرین روز زندگی ات کارگری؛ شاید اگر شانس آورده و بیمه ات را پرداخت کرده باشند دیگر مجبور نباشی اول صبح به انتظار مرد کارفرما از خانه بیرون بزنی تا شب که به خانه بر می گردی با دست هایی که می لرزد فقط شرمندگی را روی سفره نگذاری! تا خستگی ات آلوده به شرم چند برابر نشود.

با این حال، کارگر عزیز! بدان که تاول پاهایت و زخم دست هایت و لباس پینه وصله خورده و کمر تا شده ات شرف دارد به تمام مردهایی که این روزها حق تو و حق همه مردم این سرزمین را با هر نام و نشانی بالا می کشند در حالی که فقط نام انسان را با خود به یدک می کشند و از انسانیت بویی نبرده اند!

تقابل نسل ها از زاویه‌ای دیگر؛ تلاقی یک نسل سرخورده با یک نسل عصیان‌زده

الهام بارگاهی

سال ۱۳۸۴ زمانی که آقای خاتمی دولت را به احمدی‌نژاد واگذار کرد، ضایعه‌ای در حال تکوین بود که کمتر کسی می‌توانست آن را ببیند و متوجه تبعات آن شود. به صورت معمول رسیدن به مدیریتهای رده بالای دولتی در سنی حدود ۳۵ سال اتفاق می‌افتد. سنی که برای اغلب افراد متضمن گرد آمدن هم زمان دانش های آکادمیک در سطوح کارشناسی ارشد و دکترا و نیز تجربه‌های مدیریتی است که افرادی که در سنین پایینتر به استخدام درآمده‌اند و یا وارد جرگهٔ فعالیتهای مختلف اعم از سیاسی و اقتصادی و اجتماعی شده‌اند توانسته‌اند در ذهن و شخصیت خود انباشته کنند و با اتکا به این سواد و دانش و تجربه شایستگیهای لازم برای احراز مدیریتهای عالی رتبه را کسب کنند.

اگر سن ۳۵ تا ۵۰ سال را اوج توانایی فکری و ذهنی همراه با تجربه و دانش کافی ارزیابی کنیم، شایستگان جبههٔ اصلاحات که در سال ۱۳۸۴ در این بازهٔ سنی قرار داشتند، طبیعتاً فهم و فکرشان نسبت به خود این بود که بتوانند با تداوم مسیر اصلاحات در مجلس یا دولت بر اساس تواناییها و شایستگی ها و علایق و نوع نگاهشان پیگیر آرمانها و مطالبات نسل خود گردند و نام نیکی از خویش بر جای بگذارند. از سوی دیگر این نسل می‌خواست و عزم داشت و حق دارد که بتواند از تواناییهای خود برای ساختن کشور و کسب منزلت و تحقق خویشتن بهره بگیرد. اما سال ۱۳۸۴ برای این نسل از اصلاح‌طلبان یک سکته ایجاد کرد.

نوع برخورد محمود احمدی‌نژاد نیز به گونه‌ای بود که به هیچ‌یک از طیف های اصلاح‌طلب در عزل و برکناری از سمتهای مدیریتی رحم نکرد و همه را به صورت فله‌ای و اتوبوسی از کار برکنار نمود. این نسل در کنار استراتژیستها و چهره‌های شاخص و مقامات ارشد حزبی در جبههٔ اصلاحات در انتخابات سال ۸۸ تلاش کردند که بار دیگر سکان ادارهٔ کشور را در دست بگیرند. اما بنا به هر علت موفق نشدند و بازگشت اصلاح‌طلبان به ساختار مدیریتی کشور تقریباً ناممکن شد. روی کار آمدن حسن روحانی برای این نسل کماکان نوید دهندهٔ این بود که دست کم بخشی از این گروه گسترده بتوانند قدرت اجرایی را در دست بگیرند و از رهگذر ادارهٔ کشور بر مبنای شایستگی های فردی و گروهی خویش به کسب منزلت و تحقق خویشتن بپردازند که یکی از عواطف قدرتمند روانی در نوع بشر است.

اما باز بنا به هر علت گفته و نگفته دکتر حسن روحانی نتوانست در دولت اول خویش به این دسته از مدیران اصلاح‌طلب میدان بدهد و آنان را وارد مدارج بالای اجرایی کند. با برگزاری انتخابات ۹۶ و تشکیل دولت دوم روحانی به ناگاه نوع مطالبهٔ جوان‌محوری و جوانگرایی از امری «تعارفی» و تزئینی مبدل به یکی از کانونی‌ترین مباحث روز شد. به گونه‌ای که تقریباً تمام جناح اصلاح‌طلب نه تنها خواهان روی کار آوردن و میدان دادن به جوانان به عنوان یکی از شعارهای انتخاباتی روحانی شده‌اند، بلکه از آن مهمتر از شکاف شدید مدیریتی احساس خطر جدی کرده و نسبت به تبعات این مسئله هشدارهای کلان و بسیار مهمی می‌دهند.

در این میان اما مشکلی وجود دارد. نسلی از اصلاح‌طلبان که در سال ۱۳۸۴ در بازهٔ سنی ۳۵ تا ۵۰ سال قرار داشت و توقعی که از خود و توانایی هایش داشته و دارد، «حقّی» است که «ادا» نشده است. ۱۲ سال این نسل بهترین سالهای عمرش را در کنج عزلت و انزوا گذرانده و نتوانسته از داشته‌های تجربی و دانشی و فردی خویش بهرهٔ کافی را ببرد و از این جهت به نوعی احساس «سرخوردگی» و «تألم روحی» می‌کند. این نسل اکنون به نوعی در بازهٔ سنی ۴۷ تا ۶۲ سال جا دارد که ۱۲ سال از مصادر امر به دور بوده و این سرخوردگی را با خود حمل می‌کند.

تلاقی نسلی که ۱۲ سال از مدیریتهای اجرایی برای تحقق آرمانهایش و بهره بردن از دانش و تجربه و سوادش و بالفعل کردن قابلیّت هایش به دور بوده و درک ایده آلیستی از خود پیدا کرده، با نسل جوانی که اینک در بازهٔ زمانی ۳۰ تا ۴۵ سال قرار دارد و می‌خواهد سهم بالاتر و بیشتری از مشارکت سیاسی به این نسل منتقل شود و البته بسیار حیاتی است که تواناترین های آنها به جایگاه‌های مدیریتی ارتقا پیدا کنند، نوعی آشفتگی ایجاد نموده. نسل میانی اصلاحات و نسل جوان به نوعی هر یک دیگری را متهم به از بین بردن فرصتها و یا ندیده گرفتن تواناییهای نسل دیگر می‌کند. هر یک دیگری را با



چشم بدبینی می‌بیند و با «خشم فرو خورده» دیگری را خطاب قرار می‌دهد. نسل میانی، جوانان را ایده‌آل گرا و رومانتیک و احساسی و بی‌تجربه و ناتوان از فهم فضای پیچیدهٔ کنونی ارزیابی می کند و فاقد صلاحیت لازم برای گذر دادن کشور از این شرایط می‌شناسد و نسل جوان نیز نسل پیش از خود را مقصر در ایجاد شرایط کنونی و دلبسته به قدرت می‌داند که حاضر نیست فضا را برای ورود افکار نو و تازه به پیکرهٔ مدیریتی کشور باز کند و تنها از راه استبداد و تحکّم و پدرسالاری می خواهد با نسل جوان مواجه کند و قائل به این است که این نسل به شدت محافظه‌کار نمی‌تواند راه‌حلی برای بحرانهای عظیم کشور پیدا کند و با حرکتهای لاک‌پشت‌وار تنها فرصتها را از بین می‌برد و هیچ علاجی بر فساد و ناکارآمدی و انسداد سیاسی و اجتماعی کنونی کشور پیدا نخواهد کرد.

این دو نسل به نوعی هر دو حق دارند. نسلی میانی که به واقع به سن بازنشستگی نرسیده است و در عین حال نتوانسته در اوج سالهای توانمندیهایش از این توانایی ها و قابلیت ها بهره ببرد و بی بهره از این توانایی ها باید تن به بازنشستگی و به حاشیه رفتن بدهد تا مدیران جوانتر سکان هدایت کشور را به نوعی به دست بگیرند، به شدت ناراضی و دلخور است. نسل میانی نمی‌تواند به این سادگی از آنچه حق خود می‌دانسته و می‌داند و آن را به خاطر جبر روزگار و انسداد سیاسی این ۱۲ سال از دست رفته می‌بیند بگذرد. از سوی دیگر نسل جوان نیز درگیر و دار منازعات سیاسی، به خوبی متوجه شده که تا حضور قابل ملاحظه‌ای در ساخت سیاسی و مدیریتی کشور نداشته باشد همواره به عنوان سیاهی لشکر نگریسته می‌شود و چندان تمایلی برای



پیگیری مطالبات این نسل از سوی نسلهای کهنه کار سیاست در ایران وجود ندارد.

تقابل نسل ها جدی است. نسل دهۀ ۶۰ و ۷۰ از راه رسیده‌اند و به زودی دهۀ ۸۰ نیز به آنان اضافه خواهند شد. نسل هایی که از بنیاد تصورشان از جهان و دنیا با نسل قبل از خود تفاوت دارد و زبان و بیان و ادبیات و خواسته‌ها و مطالباتشان به کل از جنس و رنگ دیگری است. ارزشهایی که در جایی سَوای مراجع رسمی ساخته و پرداخته می‌شود و ذهنیت ها را شکل می‌دهد، شخصیتی ها را می‌سازد و افکار را صیقل می‌دهد و اینک این نسل خواهان حضور است تا بر اساس این ذهنیت ها و شخصیت ها و افکار خود، ایران خود را بسازد و حقِّ خود می‌داند که برداشت خود را از جهان اساس و بنیاد کشورداری کند.

بی‌تردید جبههٔ اصلاحات در ایجاد فضای گفتگو میان این دو نسل و نیز با نسل پیشکسوت، رسالتی عمیق و بنیادین برعهده دارد. و نیز رسالتی تاریخی در گذار دوستانهٔ مدیریتهای حزبی به جوانان و نیز انتقال تجربیات به شکل سیستماتیک به این نسل. به نظر می‌رسد مسئلهٔ جوانگرایی (فارغ از نگاه جنسیتی) که روزگاری در زمرهٔ شعارهای تبلیغاتی و تزئینی و تعارفی صرف بود، امروز از مهمترین مطالبات و خواسته‌هایی است که حتی می‌توان مدعی شد دوشادوش خواسته‌هایی همچون آزادیهای سیاسی و مدنی و اجتماعی و حقوق بشر و حقوق زنان و رفاه و عدالت و اشتغال ایستاده است. عدم پاسخ دادن به مطالبهٔ دو نسل دهۀ ۶۰ و ۷۰ که بزرگترین ردهٔ سنی و نسلی ایران را در اختیار دارند تبعات بسیار سهمگینی برای کنشگری های اصلاح‌طلبانه می‌تواند به همراه بیاورد.

نتیجه اینکه بیم آن می‌رود، در اثر عدم توجه به ورود نیروهای جوان اصلاح‌طلب به مدیریت های بالادستی در چشم‌اندازی کمتر از ده سال با وضعیتی مواجه خواهیم شد که تمام نامزدهای پست های مدیریتی از همان گروهی خواهند بود که حد فاصل سالها ی۸۴ تا ۹۲ به صورت سیستماتیک توسط جناح مقابل به سر کار آورده شده است که به منزله آن است که حتی اگر دولت اصلاح‌طلب یا مورد حمایت اصلاح‌طلبان در سال ۱۴۰۰ بر سر کار آید در انتخاب مدیران همسو و شایسته و کارآمد به شدت در مضیقه قرار بگیرد، البته این مطلب بدان معنا نیست که برای ساختن ایران فقط نیاز به نیروهای اصلاح‌طلب است، که تاریخ گواه این مطلب است که برای ساختن یک کشور باید از تمام ظرفیتها و نیروهای انسانی شایسته و جوان از هر دو طیف فارغ از تنگ‌نظری، استفاده کرد. پس فرصتهای کنونی را باید قدر دانست و فکر واقعه را از هم اکنون کرد.

منبع: یارا

معاون سوادآموزی استان بوشهر:
دیر و عسلویه دارای کمترین میزان باسوادی در استان بوشهر هستند

معاون سوادآموزی آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: دیر و عسلویه دارای کمترین میزان باسوادی در استان بوشهر هستند.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامرضا دانش فر در بازدید از حوزه امتحانی دوره انتقال شهرستان بوشهر اظهار داشت: در راستای توسعه سوادآموزی در سطح استان بوشهر تلاش‌های بسیار خوبی صورت گرفته است و شاهد حضور گسترده در دوره‌های سوادآموزی هستیم.

وی اضافه کرد: شهرستان بوشهر با ۹۷.۵۶ درصد باسوادی دارای بیشترین میزان با سوادی در بین شهرستان‌های استان بوده است و پس از آن شهرستان دیلم با ۹۶.۶۲ درصد و گناوه با ۹۶.۴۴ درصد قرار دارد.

معاون سوادآموزی آموزش و پرورش استان بوشهر خاطرنشان کرد: کمترین میزان باسوادی در استان بوشهر نیز مربوط به دیر با ۹۳.۲۰ درصد و عسلویه با ۹۲.۰۴ درصد است.

وی از تلاش برای ارتقای سطح سواد شهرستان‌ها و مناطق با رتبه کمتر خبر داد و بیان کرد: در همین راستا طرح همسان‌سازی باسوادی در استان بوشهر اجرا می‌شود تا همه مناطق دارای رتبه باسوادی یکسانی شوند.

دانش‌فر با اشاره به اجرای این طرح برای گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال، افزود: هدف از اجرای طرح همسان‌سازی باسوادی در استان بوشهر، شتاب‌بخشی به خاتمه بی‌سوادی در شهرها و روستاهای استان است.

وی از برنامه‌ریزی برای رسیدن باسوادی در استان بوشهر به حد مطلوب جهانی تا پایان برنامه ششم توسعه خبر داد و گفت: از فرهنگیان شاغل و بازنشسته به ویژه مدیران مدارس برای کمک به خاتمه بی‌سوادی در استان تقاضای مشارکت و همراهی داریم.

پیام مدیرکل امور روستائی و شوراهای اسلامی استانداری بوشهر به مناسبت روز روستا
باعث ماندگاری روستاییان در روستا و مهاجرت معکوس شهر به روستا شویم



به نام خدا

روستا و ساکنین آن از هسته های اولیه زندگی اجتماعی هستند، شهرهای ما نیز عمدتا بر پایه روستاها بنا شده اند.، همه ی ما روستائیان و عشایر را با ویژگی های فرهنگی، صداقت، امانت داری، شجاعت، وطن دوستی و مرزبانی، تلاش و کوشش می‌شناسیم.

بدون شک روستاها به عنوان کانون تولید و اشتغال از ارکان اقتصاد مقاومتی و امنیت اقتصادی هر کشور محسوب می شوند که با بکارگیری بهینه منابع آب و خاک و تلفیق تجارب گرانسنگ گذشتگان با تکنولوژی و دانش روز می تواند حیات دوباره ای یافته و به اقتصاد ملّی کمک نماید. روشن است که با ارتقا فرهنگ کار و تلاش، بالا بردن توان تولید و افزایش درآمد روستاها از طریق تنوع بخشی به فعالیت ها بویژه صنایع تبدیلی کشاورزی، صنایع دستی، گردشگری و بوم گردی، حفاظت محیط زیست و ... باعث ماندگاری روستاییان در روستا و مهاجرت معکوس شهر به روستا خواهد شد و امروزه یکی از اولویت های مدیریت روستایی توجه به این مهم و تولید و اشتغال و برگرداندن و احیاء فرهنگ عزتمند کار و تلاش می باشد که شوراهای اسلامی و دهیاران می توانند نقش بسزایی در این راستا ایفا نمایند.

نامگذاری ۱۵ مهرماه به عنوان روز روستا، فرصت مغتنمی است تا این مهم مورد توجه مسئولین و مدیران ملی و محلی به ویژه شوراهای اسلامی قرار گرفته و با مدیریت و نگرش جدید راه کارهای حفظ هویت و کارکرد روستا را دنبال نمایند و از این طریق کشورعزیزمان ایران را در مسیر توسعه پایدار و استقلال اقتصادی قرار دهند. با امید به اینکه با کمک و همفکری هم بتوانیم روستاهایی آباد، مولّد و پویا داشته باشیم. ان‌شاءالله

بهرام نکیسا – مدیرکل امور روستائی و شوراهای اسلامی استانداری بوشهر

مدیرعامل آب بوشهر:
کاهش بارش های پاییزی باعث تشدید فشار بر منابع آب زیرزمینی است

مدیرعامل شرکت سهامی آب منطقه ای استان بوشهر گفت: با توجه به پیش بینی هواشناسی مبنی بر کاهش بارش های پاییزی در این استان، این وضعیت فشار بر منابع زیرزمینی را تشدید می کند.

به گزارش ایرنا، شاهپور رجایی در جمع خبرنگاران افزود: یکی از عمده ترین مصرف کنندگان آب در استان بوشهر بخش کشاورزی است که این بخش بسیار متأثر از بارندگی ها بویژه در فصل پاییز است.

وی اضافه کرد: در صورت نبود، کاهش یا تأخیر بارندگی در این فصل، به نیاز بیشتر به آبیاری منجر می شود که افزایش فشار روی منابع آبی را به دنبال دارد.

وی بیان کرد: در صورت کاهش و یا تأخیر در بارش ها در فصل پاییز علاوه بر برداشت مازادی که از منابع آب صورت می گیرد، تغذیه صحیح و مناسب منابع آب نیز انجام نمی شود که این مهم از دیگر از عوامل تهدید سفره های زیرزمینی و فشار اضافی روی این منابع است.

رجائی، اعمال مدیریت ریسک را یکی از مهمترین راهکارها برای مدیریت منابع آب استان بوشهر عنوان کرد و گفت: باید همزمان با پیش بینی فشار روی منابع آبی، از افزایش سطح زیر کشت جلوگیری و الگوی کشت نیز طوری طراحی و پیاده شود که در ابتدای فصل نیاز به آبیاری کمتر داشته باشیم.

مدیرعامل شرکت سهامی آب منطقه ای بوشهر ادامه داد: بیشتر کشت پائیزه استان گوجه فرنگی است که با توجه به نیاز این محصول به آب، تنها راهکار کاهش مازاد برداشت و کمتر کردن فشار روی منابع آب زیرزمینی جلوگیری از توسعه سطح زیرکشت این محصول است.

وی بیان کرد: در بخش آب سطحی نیز استان بوشهر با همین وضعیت روبرو است و رودخانه اهرم که تامین کننده شبکه آبیاری این منطقه است بطور کامل خشکیده است.

رجایی اضافه کرد: با توجه به اینکه کشاورزان پس از برداشت، یک نوبت آبیاری دارند و با توجه به خشک شدن این رودخانه، این نوبت آبیاری از منابع آب زیرزمینی باید تامین شود که این مساله به نوعی فشار مضاعفی روی منابع آب زیرزمینی ایجاد می کند.

وی، به وضعیت شبکه های آبیاری و زهکشی دشتستان پرداخت و اظهار کرد: با توجه به ذخیره کمتر از ۱۴۰ میلیون متر مکعبی آب سد رئیسعلی دلواری و پیرو اطلاعیه های این شرکت، امکان تامین آب به زمین های زراعی محدوده شبکه شبانکاره وجود ندارد.

رجایی افزود: این تصمیم کارشناسی آب منطقه ای استان بوشهر بدلیل کاهش چشمگیر بارندگی و به تبع آن کاهش آبگیری سد رئیسعلی دلواری است.

وی بیان کرد: در این شرایط حجم آبیاری باغ های استان بوشهر نیز ۲۰ تا ۳۰ درصد کاهش می یابد و کشاورزان باید با مدیریت مصرف، همین حجم آب را در دور سوم آبیاری به مصرف برسانند.

شهردار بندر بوشهر خبر داد:
فرایند صدور پروانه ساخت برای سرمایه گذاران بخش خصوصی شهر بوشهر کاهش یافت

غلامعلی میگلی نژاد روز دوشنبه درنشست علنی شورای شهر بوشهر افزود: در چند ماه گذشته شاهد روند مناسب سرمایه گذاران بخش خصوصی برای ورود به عرصه مشارکت برای اجرای پروژه های عمران شهری هستیم.وی یادآور شد: اکنون شرایط برای سرمایه‌گذاری در بوشهر به گونه ای است که سرمایه گذار در صورت داشتن مدرک های مثبته می تواند ظرف مدت چند ساعت پروانه ساخت خود را دریافت کند.

وی در ارتباط با پروژه چرخ و فلک شهردای بوشهر گفت: واگن های این پروژه خریداری شده و در روزهای آتی به بوشهر منتقل می شود.

شهردار بوشهر ادامه داد: سرمایه گذار این پروژه نیز قول مساعد داده با حضور مداوم روی این پروژه روند سرعت اجرای آن را تسریع کند.میگلی نژاد در ارتباط با پروژه تقاطع غیرهمسطح شهر بوشهر بیان کرد: به دلیل وجود معارض و دکل های فشار قوی و تیرهای فشار متوسط برق زمان اجرای این پروژه چهارماه عقب افتاده ولی با این وجود با تدابیر اندیشیده شده بنا داریم تا ۱۸ بهمن ماه این پروژه را به اتمام برسانیم. وی درباره مشکل تاریک‌بودن برخی از کوچه و معابر سطح شهر بوشهر نیز اظهار داشت: متولی روشنایی برق معابر شهرداری نیست اما در ۴۸ ساعته گذشته با نشستی که با مدیر عامل شرکت توزیع برق استان برگزار شد تصمیم های خوبی در این بخش پیش بینی شده است.

میگلی‌نژاد در مورد آخرین وضعیت پارک پرندگان بوشهر گفت: این پارک با کمک سرمایه‌گذار جدید بازسازی شده و بزودی با ایجاد امکاناتی جدید بازگشایی می شود. شهردار بوشهر اظهارکرد: یکی از کارهای خوبی که برای ساماندهی حمل و نقل درون شهری انجام شد جابه جایی ایستگاه اتوبوسرانی بود که با رضایت شهروندان نیز همراه شده است اما می‌دانیم که جایگاه جدید امکانات چندانی ندارد و بزودی امکاناتی نیز به آن اضافه خواهد شد. وی افزود: انتقال ایستگاه های اتوبوسرانی مرکز شهر بوشهر به میدان معلم نیز به دلیل کم عرض و یک طرفه بودن خیابان منتهی به ایستگاه مرکزی صورت گرفته است.

دکتر زهره عالی نسب در اختتامیه جشنواره بین المللی قصه گویی:

در کانون قصد نداریم بیلان های کاذب کاری ارائه کنیم

اداره کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان بوشهر، بیستمین جشنواره قصه گویی مراکز فرهنگی، هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان بوشهر با معرفی برگزیدگان این جشنواره به کار خود پایان داد.

در این آیین که با حضور دکتر زهره عالی نسب مدیر کل کانون استان، آقای دکتر برزگر زاده مدیرکل امور اجتماعی استانداری، سرکار خانم فاطمه دهقانی مدیرکل کمیسیون امور بانوان استانداری بوشهر و آقای قاسمی معاون آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر، آقای شجاع مسئول امور فرهنگی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر و سرکار خانم الهام دارابی کارشناس ناظر فرهنگی برگزار شد.

مدیر کل کانون با بیان اینکه قصه گویی به عنوان یکی از ابزارهای بسیار پرقدرت و مؤثر در نظام آموزشی کشور محسوب می شود و با توجه به جذابیت هایی که دارد می تواند بسیار در توانمندسازی کودکان و نوجوانان نقش آفرین باشد.

ایشان به لزوم ایجاد فضاهایی که در آن آموزش از طریق قصه گویی انجام می شود تأکید و آن را بسیار ضروری و مهم دانست: جهان امروز باید به سوی صلح و آرامش پیش برود و جهت پیشبرد چنین هدفی باید کارهای زیربنایی مانند قصه گویی انجام گیرد که یک مادر می تواند به زیبایی کودک خود را آموزش دهد تا به آینده بسپارد. ما در کانون قصد نداریم بیلان های کاذب کاری ارائه کنیم بلکه ایده ها و اهداف مشخصی جهت اعتلای فرهنگ داریم.

وی با اشاره به اینکه قصه گویی در رشد شخصیت کودکان و نوجوانان به واسطه رسانه بودن در پیام، همذات پنداری با شخصیت ها، تقویت ذهن کنجکاو و جستجوگر، تقویت قوه تخیل در آن موجب رشد تفکر منطقی و تفکر انتقادی، هویت ملی و مذهبی بسیار مؤثر است.

آموزش و پرورش امروز همگام با آموزه های حقوق شهروندی باید بر مبنای شیوه های جدید، هنرمندانه و از طریق مربیان کارآزموده و توانمند ارائه شود.

شایان ذکر است از میان ۱۷ نفر از مربیان شرکت کننده ۳ نفر برگزیده و به مرحله منطقه ای راه یافتند. در بخش آزاد هم از تعداد ۲ نفر شرکت کننده ۱ نفر به مرحله منطقه ای راه یافت. همچنین در بخش رضوی خانم سوسن حیاتی از مرکز دیلم معرفی شدند.

خلق یک حماسه علمی بین المللی توسط دانشجویان بوشهر



تیم کمیکار پرشین گالف از بوشهر موفق به کسب رتبه اول مسابقات بین المللی در اسپانیا شد.

این تیم با همکاری دانشگاه جامع علمی کاربردی استان بوشهر و دانشگاه خلیج فارس در مسابقات بین المللی کمیکار ۲۰۱۷ کشور اسپانیا شرکت نموده بود.

این مسابقات در تاریخ یکم اکتبر ۲۰۱۷ در شهر بارسلون اسپانیا همزمان با دهمین کنگره بین المللی مهندسی شیمی، یازدهمین کنگره اروپایی مهندسی شیمی و چهارمین کنگره اروپایی بیوتکنولوژی کاربردی برگزار شد و تیم پرشین گالف از کشور جمهوری اسلامی ایران با اقتدار موفق به کسب مقام قهرمانی مسابقات شد.

دکتر حسین اسکندری رئیس دانشگاه علمی کاربردی استان بوشهر در این خصوص به نسیم جنوب گفت: در این مسابقات ۲۲ تیم از دانشگاه های تراز اول جهان از جمله MacGill و جورجیا و بریتش کلمبیا و ... از کشورهای آمریکا، کانادا، چین، بلژیک، لهستان، قطر، اسپانیا و ... شرکت داشتند.

وی افزود: علاوه بر کسب جایزه قهرمانی مسابقات توسط تیم پرشین گالف جایزه بهترین عملکرد نیز به این تیم تعلق گرفت.

دکتر اسکندری درباره نحوه انجام این مسابقات گفت: در این مسابقات مهم بین المللی تیم‌های شرکت‌کننده باید خودروهایی با ابعاد مشخص بسازند و قادر باشند مسیر تعیین شده را طی کنند.

علاوه بر آن خودروهای طراحی شده باید بتوانند میزانی از آب را که به تیم‌ها اعلام شده است را حمل کنند. نیروی پیش‌راننده این خودروها باید یک ماده شیمیایی باشد که محیط زیست را آلوده نکند به گونه‌ای که هیچ گاز یا مایعی دیده شدنی را تولید نکند و هیچ باتری تجاری در ساخت آنها به کار نرفته باشد.

این مسابقات به میزبانی انجمن شیمی آمریکا از ۳۰ سپتامبر برابر ۸ مهرماه آغاز شده و تا ۵ اکتبر مصادف با ۱۳ مهرماه ادامه دارد.

اعضای تیم سرپرستی و دانشجویی پرشین گالف عبارتند از:

دکتر امید بزرگ حداد (معاون پژوهش و فناوری دانشگاه جامع علمی کاربردی) دکتر حسین اسکندری (رئیس دانشگاه جامع علمی کاربردی استان بوشهر) دکتر احمد آذری (هیئت علمی دانشگاه خلیج فارس) دکتر جابر قاسمی (رئیس مرکز علمی کاربردی عسلویه) دکتر جهانگیر شاهینی (رئیس مرکز علمی کاربردی استانداری بوشهر)، پرویز زاهدی زاده (کارشناسی مهندسی شیمی)

محمد خلیل پوش (کارشناسی مهندسی شیمی) حسین فرخ نژاد (کارشناسی مهندسی شیمی) مجتبی زارع (کارشناسی مهندسی برق) محمد امین هوشنگی (کارشناسی مهندسی شیمی)علی محمدی زاده (کارشناسی مهندسی برق) محمود امام رضا (کارشناسی مهندسی مکانیک) مجتبی فرهمند فر (کارشناسی مهندسی شیمی)

از حمایت های مادی و معنوی ریاست عالی و مسئولین دانشگاه جامع علمی کاربردی و همچنین از حمایت های معنوی مسئولین دانشگاه خلیج فارس در طول اجرای پروژه، تقدیر و تشکر بعمل می آید.

بوشهر سریعترین رشد را در زمینه شرکت های فعال در حوزه نانو فناوری کشور داشته است



روابط عمومی پارک رشد علم و فناوری استان بوشهر اعلام کرد: ستاد نانو فناوری معاونت علمی و فناوری رئیس جمهوری، استان بوشهر دارای سریعترین رشد در زمینه شرکت های فعال در حوزه نانو فناوری کشور معرفی کرد.

این روابط عمومی افزود: در حاشیه برگزاری دوازدهمین جشنواره و دهمین نمایشگاه نانو فناوری ایران، برترین های حوزه نانو فناوری کشور معرفی شدند. براساس گزارش این روابط عمومی، مرکز رشد علم و فناوری خلیج فارس بوشهر توسط ستاد نانوفناوری معاونت علمی و فناوری رئیس جمهوری موفق به کسب رتبه اول و برترین مرکز رشد جوان در حوزه نانو فناوری در میان همه مراکز رشد علم و فناوری کشور شد.

روابط عمومی پارک رشد علم و فناوری استان بوشهر اضافه کرد: کسب این مقام در ارتباط با شکل گیری و رشد شرکت های فعال در حوزه های نانو فناوری، حمایت از توسعه، رشد و تجاری سازی محصولات نانو فناوری ۶ شرکت و تیم در استان بوشهر است.

مدیرکل منابع طبیعی بوشهر:

مراتع جوابگوی نیاز علوفه‌ای دام‌های بوشهر نیست/ احیای آب‌انبارها



مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان بوشهر گفت: مراتع جوابگوی نیازهای علوفه‌ای دام‌های استان بوشهر نیست.

به گزارش خبرنگار مهر، سهیل مهاجری در جمع خبرنگاران با گرامیداشت روز ملی روستا و عشایر اظهار داشت: مراقبت و احیاء مراتع استان بوشهر همواره یکی از مهم ترین دغدغه‌های ما بوده است و روستائیان و عشایر نقش مهمی در حفظ مراتع استان دارند.

وی اضافه کرد: مساحت مراتع استان بوشهر یک میلیون و ۲۶۰ هزار هکتار است که ۵۵ درصد مساحت استان بوشهر شامل می‌شود و روستائیان و عشایر در قالب سامانه های عرفی از این مراتع بهره برداری می کنند.

مهاجری با اشاره به اینکه یک میلیون و ۵۰۰ هزار واحد دامی نیز در استان بوشهر وجود دارد خاطرنشان کرد: مراتع جوابگوی نیازهای علوفه‌ای دام‌های استان بوشهر نیست و منابع طبیعی به دنبال بهبود وضعیت عرصه‌های مرتعی استان است.

توسعه گیاهان دارویی

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان بوشهر گفت: با توجه به استقرار عشایر در ۵ ماه از سال در مراتع باید راهکارهای اساسی برای تأمین آب آشامیدنی و تقویت مراتع اجرایی شود.

وی اجرای طرح‌های حفاظت مشارکتی و توسعه گیاهان دارویی با بهره برداران منابع طبیعی و روستائیان را یک ضرورت دانست و تصریح کرد: تقویت مراتع استان بدون مشارکت روستائیان و عشایر امکان پذیر نخواهد بود.

مهاجری هدف از اجرای طرح‌های مشارکتی با بهره‌برداران و توسعه گیاهان دارویی در روستاها را ایجاد انگیزه بین مردم و مشارکت مردمی با حفظ پتانسیل موجود و استفاده از تنوع گیاهی استان به هدف حفاظت از پوشش گیاهی و عرصه‌های ملی و بهبود معیشت بهره‌برداران با مشارکت جوامع محلی برای فرهنگ سازی و کنترل عوامل تخریب در عرصه‌های ملی دانست.

ساخت و احیای آب انبارها

وی ساخت و احیای آب انبارها و مخازن آب برای روستائیان و عشایر در مراتع استان بوشهر را از مهمترین برنامه‌های مهم منابع طبیعی و آبخیزداری استان دانست.

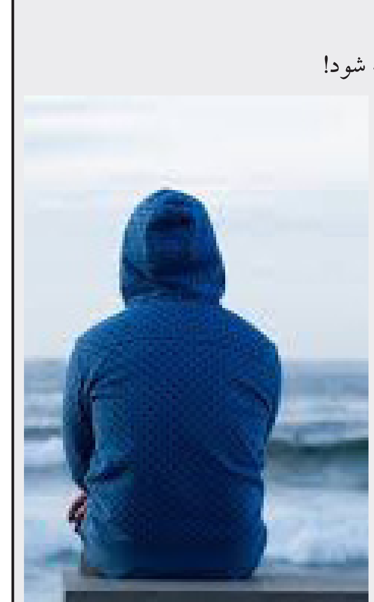
مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان بوشهر در بخش دیگری از اظهارات خود تصریح کرد: منابع طبیعی تجربه خوبی در زمینه اشتغال و اقتصاد مقاومتی با روستائیان استان دارد و به دنبال طرح‌های مختلف این اداره کل افراد زیادی در روستا مشغول به کار شدند.

وی طرح‌های مختلف ترسیب کربن را تنها یکی از طرح‌هایی دانست که به موجب آن اشتغال زایی در روستاها تقویت شده است و اکنون این طرح موفق در صورت تعیین اعتبار در روستاهای بیشتری از استان تقویت خواهد شد.

تند نروید

فاطمه جعفری

یک درس به اسم " تند نروید " باید به واحد های درسی مان اضافه شود!
باید مثل الفبا از کلاس اول یادمان دهند
که " تب تند زود به عرق می نشیند"
از همان روزهای اول یک دل نه صد دل عاشق می شویم
و برای همدیگر می میریم؛
و دو سه ماه بعدی، تازه دو زاریمان می افتد که
همه ی مسیری که آمده ایم اشتباه بوده...!
حال آدمی را پیدا می کنیم که با سرعت در حال دوییدن است
و کوهی به اسم "تفاوت ها" قد علم کرده...!
کاری نکنید که شرمنده ی احساس به هدر رفته اتان شوید
مثل یک بازیکن تعویضی که دقیقه ی نود
فقط برای وقت کشی به میدان آمده
و بلافاصله چنان مصدوم می شود که
تمام فصل را از دست می دهد...!
بیخود و بی جهت وارد رابطه ای نشوید
که تند رفتنتان باعث محرومیت از " عاشقی "شود...



میراث ناملموس

پا منبری در بوشهر



پا منبری استان بوشهر به شمار ۱۲۱۵ مورخ ۵/۳/۹۵ در فهرست آثار ملی کشور قرار گرفته است.

شرح بیان مراسم پامنبری برگرفته از مراسمی که از شروع و اعلام برنامه روضه خوانی و عزاداری بعد از هر اذان مغرب در ایام محرم و صفر خبر می دهد.

نام و اصطلاح این اثر پیش خوان یا شاگرد روضه خوان،که پیش از استاد ابیاتی چند ایستاده بپای منبر در مصائب اهل البیت سلام الله علیهم می خواند.

هر مرحله از عزاداری امام حسین (ع) در بوشهر ویژگی خاصی دارد و مساجد به جهت بالا بردن سطح آمادگی و شور حسینی اقدام به برگزاری مراسم پامنبری قبل از روضه خوانی می نماید. این مراسم با حضور اقشار و سنین مختلف مردم برگزار می شود تا فرهنگ شعرخوانی همچنین بخشی از عزاداری سالار شهیدان باقی بماند، بی شک ذاکرین، شاعران و آهنگ سازان این عرصه تمامی توان خود را در این راه صرف می نمایند.

با شروع ایام سوگواری و عزاداری سالار شهیدان در ایام ماه محرم و صفر با سیاه پوشی مساجد و تکایا و حسینیه ها بیرق عزای امام حسین و یاران با وفای او همه بر پا می گردد که از چند بخش تشکیل می شود. یکی از موارد قابل توجه و حائز اهمیت که از ایام قدیم تاکنون مورد توجه عزاداران و بانیان مساجد واقع شده برگزاری مراسم عزاداری پا منبری می باشد. مراسم پامنبری در واقع شروع و اعلام برنامه روضه خوانی و عزاداری در مراسم ایام محرم و صفر است که اکثر استانها دارای چنین ویژگی هستند.

تاریخچه و قدمت این آئین طبق تحقیقات میدانی و آگاهان محلی که هنوز در قید حیات می باشند از یکصد و پنجاه سال پیش تاکنون این مراسم را به یاد دارند

در برگزاری این مراسم گروهی متشکل از ۱۰ الی ۳۰ نفر تحت نظارت و کنترل سر نوحه خوان با خواندن اشعار و نوحه های ویژه و هم چنین با آهنگهای خاص با ملودیهای جذاب که همگی در دستگاههای موسیقی بوشهر-در دستگاه-ماهور و بیات ترک و دشتی قرار دارد.

و این گروه آنچنان با نظم و هماهنگی کامل اجرا می کنند که زبان زد عام و خاص بود و مثل گروه که می خوانند و می نوازند.

این عزادارای از شروع مجلس بمدت ۲۰ الی ۲۵ دقیقه بطول می انجامد که با نوحه خوانی یکی از اعضای خاص به اتمام می رسد و مجلس آماده پذیرایی اولیه و در ادامه شروع روضه خوانی توسط روحانی و یا مداح خواهد بود.

که این شیوه عزاداری با شروع هر جلسه برگزار می گردد. نوحه های پامنبری از آهنگها و ضربهای خواصی برخوردار است که گوش و دل و جان هر عاشقی می نوازد و در غم و سوگ عزاداری ارباب بی کفن از خود بی خود کرد و محور رشادتها و جان برکفها و مظلومیت اهلبیت می نماید که وصف ناپذیر است.

قابل ذکر است این گروه در کنار منبر حسینیه ها و مساجد بصورت دوار نشسته و با ضربت دست به سینه و یا پا اقدام به عزاداری می نمایند و نحوه ضربهای موجود ۱ به ۲ و به ۳ ضرب می باشد.

ارزش های شاخص این اثر:

۱ـ شاعران جنوب با سرودن اشعار این مراسم بر این باورند که بوشهر بواسطه گرما و شرجی یک هم آوایی میان صحرای کربلا و گرمای جنوب دارد که این شاخصه بسیار منحصر بفرد است.

۲ـ خواندن اشعار محلی با زبان محلی در وصف اهلبیت قبل از برپایی مراسم آن را نیز منحصر به استان و فرهنگ این مردم کرده است.

۳- ایجاد همبستگی و همدلی بین مردم این منطقه می باشد.

https://t.me/mirasbuz

اهدای نشان بین‌المللی محسن شریفیان، جان هنرمندی را نجات داد



محسن شریفیان ، سرپرست گروه «لیان» نشان هنری فستیوال بین المللی نوازندگان «نی انبان» را که برای درمان موسی کمالی - خالق نوای جهله به حراج گذاشته بود، به مدیرعامل صندوق اعتباری هنر اهدا کرد.

به گزارش ایسنا، در پی انتشار گزارش وضعیت موسی کمالی - خالق نوای جهله که نیاز به عمل جراحی داشت، محسن شریفیان نشان هنری خود را که از فستیوال نوازندگان نی‌انبان اسپانیا گرفته بود به حراج گذاشت.

در پی این خبر، صندوق اعتباری هنر، هزینه‌های درمانی این هنرمند موسیقی نواحی هرمزگانی را پرداخت کرد و در جلسه‌ای که در ساختمان هنر با حضور خبرنگاران برگزار شد، از سرپرست گروه «لیان» قدردانی شد.

حسین سیدزاده، مدیرعامل صندوق اعتباری هنر در این جلسه بیان کرد: آقای شریفیان فارغ از اینکه منتظر جایی مثل صندوق اعتباری هنر باشد وقتی متوجه گرفتاری یکی از هنرمندان شد پرچمی درست کرد و آن را بالا برد و جایزه خودش را برای کمک به این هنرمند به حراج گذاشت تا گرهی از کار این هنرمند را باز کند، خوشبختانه ما از این موضوع مطلع شدیم و آنچه در توان داشتیم را برای حل این مشکل انجام دادیم.

مدیرعامل صندوق اعتباری هنر ادامه داد: ما نباید در جامعه هنری گرفتاری‌ها را به عنوان موضوع پیش پا افتاده تلقی کنیم. من اطمینان دارم بخش بسیاری از مسائل با خبردار بودن از یکدیگر برطرف می‌شود. نیت اصلی این جلسه نیز تشکر از محسن شریفیان است که وقتی دید استادی درگیر مشکلی است یک چراغ روشن کرد.

محسن شریفیان نیز در ادامه این جلسه گفت: ما در فستیوالی در اسپانیا شرکت کرده بودیم که موضوع آن درباره ساز نی‌انبان بود و در نهایت این جشنواره نشانی را به ما اهدا کرد. آن چیزی که من بعد از هر آلبوم، جشنواره یا کنسرت به آن فکر می‌کنم این بوده که ما همیشه از بی‌اهمیتی و فراموشی زجر می‌کشیم. آنچه که در پس ذهن یک هنرمند وجود دارد و نشان می‌دهد وضعیت هنر در کشور ما تا چه اندازه اسفبار بوده است.

سرپرست گروه لیان افزود: خانواده من نیز بارها به من این موضوع را گوشزد کرده است و به عقیده من این اتفاق غم‌انگیز است. کاش ما صندوقی تحت عنوان پیشگیری از مشکلات هنرمندان داشتیم و راه‌هایی پیدا می‌شد تا از اتفاقاتی که قرار است رخ دهد جلوگیری شود قبل از آنکه به مشکل برسیم. این اقدام یعنی پیشگیری از بروز مسائل در بسیاری از کشورها از جمله کانادا انجام می‌شود. ما نیز باید راهی پیدا کنیم که هنرمند کشورمان درمانده و بیمار نشود.

او ادامه داد: شاید باورتان نشود که من هنوز هم موسی کمالی را ندیده‌ام اما می‌دانم که در حوزه نوازندگی کار خوبی دارد. قبل از آنکه به صندوق بیایم با او تماس گرفتم و پرسیدم که مشکل‌اش حل شده یا نه که خوشبختانه حل شده بود. صندوق اعتباری هنر مردانه ایستاد تا مشکل این هنرمند را حل کند و این اتفاق خوبی است که کمتر پیش آمده است.

شریفیان اظهار کرد: حتی امروز لوح‌های تقدیری را به من دادند که قرار است برای دکتر و پرستار موسی کمالی از طرف صندوق اعتباری هنر ارسال شود و من نیز گوشه‌ای از آن را امضا کردم.

سرپرست گروه لیان همچنین بیان کرد: وقتی جشنواره هنری فستیوال بین‌المللی نوازندگان نی‌انبان در اسپانیا متوجه شد مدالی که آن‌ها داده‌اند را برای کمک به هنرمند دیگری به فروش گذاشته‌ام، خیلی خوشحال شدند و دبیر جشنواره گفت که نشان دیگری را به من می‌دهد اما من نپذیرفتم.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب

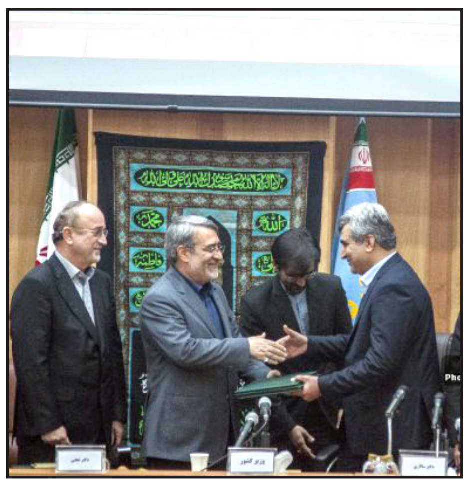
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷-۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



معارفه مصطفی سالاری استاندار گیلان:

از دیار رئیس‌علی دلواری به دیار میرزا کوچک آمده‌ام



دکتر مصطفی سالاری استاندار جدید گیلان در آئین معارفه خود که در حضور وزیر کشور، نمایندگان، مدیران کل و فرمانداران در سالن غدیر استانداری گیلان برگزار شد اظهار داشت: از دیار رئیس‌علی دلواری به دیار میرزا کوچک خان آمده‌ام و به مردم گیلان می گویم در آن ساحل نه آسوده‌ام و در ساحل آرام گیلان هم نمی‌آسایم و در راستای خدمت به مردم گوش شنوا به حرف‌های مردم خواهم داشت و به زودی در شهرستان‌ها نیز حضور خواهم یافت.

وی افزود: به مردم گیلان می گویم از امروز گیلانیم و لحظات تلخ و شیرین من و خانواده ام در کنار شما خواهد بود. جز در مسیر راستی گام بر نخواهم داشت و در برابر هر مفسده خواهم ایستاد چون پا در قدمگاه ۸۰۰۰ شهید گیلان گذاشته ام. با همفکری و همدلی و تعامل در کنار مردم گیلان موفق خواهیم بود.

مصطفی سالاری افزود: تجربه مثبت به‌کارگیری جوانان و بانوان در بوشهر را در گیلان هم تکرار می‌کنم و بخش‌نامه‌ای را نیز در این خصوص تدوین و صادر می‌کنم.

وی اظهار داشت: برای کار آمده ام و رأی ۷۰ درصدی گیلان به دکتر روحانی مسئولیتم را دشوارتر کرده است. در مسیر خدمت به مردم نیازمند مشارکت و مشاوره همه مردم و مسئولان هستم و از تجربیات خود در چهار سال گذشته در خدمت به مردم عزیز گیلان استفاده می‌کنم.

گردهمایی معلمان استان بوشهر به مناسبت روز جهانی معلم



جمعی از معلمان استان بوشهر در روز ۱۳ مهر ماه ۱۳۹۶ در جلو درب اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر گردآمدند تا افزون بر پاسداشت روز جهانی معلم (۵ اکتبر/ ۱۳ مهر) بار دیگر فریاد دادخواهی خود را به گوش مسئولان کشور برسانند.

در این تجمع که به دعوت کانون صنفی فرهنگیان استان بوشهر و با شعار «همراه شو عزیز، همراه شو عزیز، تنها نمان به درد، کاین درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمی شود» برگزار شد، شرکت کنندگان همگام با دیگر فرهنگیان عدالت خواه کشور بار دیگر بر مطالبات صنفی و آموزشی خود پای فشرده و خواهان تخصیص بودجه لازم برای پایان دادن به تبعیض های اقتصادی و نابرابری های معیشتی در حق فرهنگیان کشور شدند.

در این گردهمایی مسالمت آمیز که با شرکت گروهی از زنان و مردان معلم، شاغل و بازنشسته و با حضور ناصر کرمی، مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر برگزار شد، فرهنگیان شرکت کننده هم چنین از مقامات مملکت خواستند رفع مشکلات آموزش و پرورش کشور را در صدر برنامه های خود قرار داده و تفکر خود را که بر اساس آن به آموزش به عنوان کالایی قابل خرید و فروش می نگرند تغییر دهند. آن ها به علاوه از مسئولان کشور خواستند تشکل ها و فعالیت های صنفی فرهنگیان را در سراسر کشور به رسمیت شناخته، به برخوردهای امنیتی با فرهنگیان خاتمه داده و احکام زندانی کردن، تبعید، اخراج و دیگر مجازات هایی را که در حق فرهنگیان کنشگر روا داشته اند، لغو کنند.

در پایان این گردهمایی که محسن عمرانی، معلم زندانی- که در مرخصی چند روزه به سر می برد- نیز در آن حضور داشت، قطعنامه ی تجمع سراسری شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران پیرامون بودجه ی عادلانه برای آموزش و پرورش به وسیله ی اکبر نهاری، دبیر بازنشسته و پیش کسوت خوانده شد.

نتایج یک نظرسنجی دربارهٔ خلقیات اجتماعی ایرانیان

دکتر مقصود فراستخواه (جامعه‌شناس) پیمایش در سطح ملی انجام داده و در آن پرسش‌هایی دربارهٔ خلقیات اجتماعی ایرانیان مطرح کرده است و یکی از سؤالات آن پیمایش این بود:

- اگر روحیات و خلقیات ایرانی بحث انگیز است، بیشتر به کدام مؤلفه‌ها از خلقیات ایرانی مربوط می‌شود؟

نتایج برحسب رتبه، به شرح زیر است:

بالاترین جوابی که در بحث انگیز بودن خلقیات ایرانی داده بودند، «ضعف فرهنگ کار جمعی و فعالیت مشترک گروهی» بود.

در رتبه بعد «انتقادپذیری» را بحث‌انگیز دیدند. این که ایرانیان از انتقاد آزرده و ناراحت می‌شوند و وقتی کسی از آن ها انتقاد کند، به دل می گیرند.

در رتبهٔ سوّم به رودربایستی زیاد، تعریف و تمجید در حضور یکدیگر و قضاوت‌های منفی در غیاب یکدیگر اشاره کردند. گفتند، تعارف ایرانیان در حد واقعیت و رفتارشان نیست.

در رتبهٔ چهارم گفتند، ایرانیان معمولاً پنهان‌کاری می کنند و غالباً شفاف نیستند.

در رتبهٔ پنجم گفتند، ایرانی‌ها خودمدارند؛ بیشتر خواسته‌های خود را مبنا قرار می‌دهند. بیش از این که به خواسته‌های جمعی و گروه و منافع عمومی فکر کنند، می‌خواهند خود را نجات دهند.

در رتبهٔ ششم معتقد بودند، احساسات در ایران بیشتر بر خردورزی چیره می‌شود.

در رتبهٔ هفتم گفتند، «دروغ» بین ایرانیان رواج دارد.

سرانجام معتقد بودند ایرانی‌ها به سختی می‌توانند گفت‌وگو و توافق پایداری انجام دهند.

(از کتاب ما ایرانیان – صفحهٔ ۲۰، نشر نی)

دیدار پیشکسوتان شاهین با هوادار با تعصب و وفادار



رضا سیاهوشی: در سرما و گرما، زیرباران و آفتاب، سال ها در حمایت، تشویق و طرفداری از تیمش به ورزشگاه ها می رفت و حتی در تمرین ها هم شرکت می کرد تا با گرمی حضورش قوت قلبی باشد برای بازیکنان و تیم محبوبش. هواداری متعصب، با شخصیت، متین و وفادار که عشق و علاقه به تیم فوتبال شاهین را با هیچ چیز عوض نکرده است.

به راستی "حاج محمد زاد فقیه" را باید قدر دانست و مورد الگو قرار داد.



آقازاده اش مهراب می گوید: "وقتی گفتیم که پیشکسوتان شاهین می خواهند به دیدارت بیایند، اینقدر خوشحال شد که گویی انگار تمام دردهایش را فراموش کرد".

بله؛ رفتیم به دیدار این بزرگ مردی که در بستر بیماری هست. وقتی بچه ها سر و صورتش را بوسه باران می کردند، می گریست و تشکر می کرد و بعد مرتب عرض خوش آمد و خیلی ممنون از مهمان هایش داشت و می زد زیر گریه!

برای وی و همه بزرگان ورزشی و هوادارانی که عشق و تعصب به تیم مورد علاقه خود در خون و جانشان هست هزاران درود و آفرین می گوییم و اینان را نماد تعصب و وفاداری می دانیم و آرزو می کنیم روزی همه هواداران به مانند زادفقیه ها در اخلاق، رفتار، ادب و معرفت زبانزد و نمونه شوند و از این عزیزان به عنوان الگوی خود استفاده نمایند.

هدیه بسته آموزشی بانک دی به دانش آموزان بوشهر

در راستای فعالیت های اجتماعی و ترویج عدالت آموزشی، بانک دی تعدادی بسته آموزشی بین دانش آموزان بوشهر توزیع نمود. این بسته های آموزشی حاوی لوازم التحریر، با حضور مسئولین بانک دی شعبه بوشهر بین دانش آموزان دبستان شهید آیت شهر بوشهر در محله تنگک، توزیع گردید.





منوچهر آتشی شاعر صلح و گفتگو

بابک شاکر



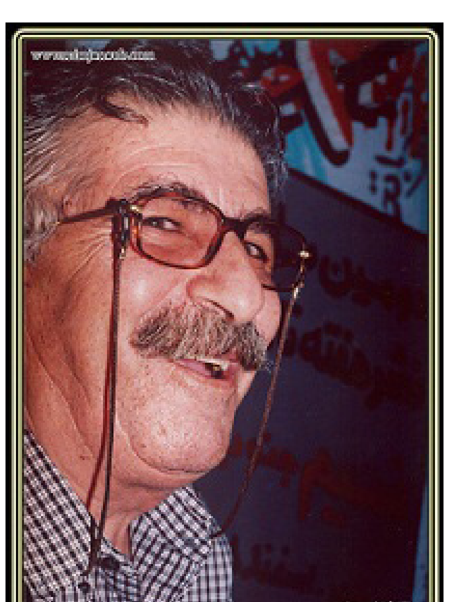
دوم مهرماه زادروز منوچهر آتشی، راوی رنج های جنوبی است. شعر در آتشی شبیه تلاطم دریا پر خروش بود. اولین سروده‌های آتشی با الهام از وقایع تاریخی بود که در آن توانست شکلی از حماسه ی مردم را خلق کند؛ حماسه‌ای که افسانه نبود بلکه روایت قشری محروم و عاصی بود که تجلی آن را در «عبدوی جط » به وضوح می بینیم؛ او خالق حماسه هایی بود که قهرمانان افسانه ای نداشت.

آتشی شاعری بود که به مرور زمان به شاعری مدنی تبدیل شد و «اسب سفید وحشی» او دیگر ماهیت ایدئولوژیک، نمادگرایانه و ایدئالیستی نداشت بلکه بافتی مبتنی بر ساز و کار گفتمان مدنی بر اشعارش حاکم شده بود: «کنون رؤیای ما باغی است/ بن هر جاده‌اش/ میعادگاهی خرم و خوش بو/ سر هر شاخه اش گلبرگ‌های نازک لبخند/ به ساق هر درختش یادگاری ها/ و با هر یادگاری نقش یک سوگند/ کنون رؤیای ما باغی است»

آتشی اما در دهه هفتاد و با رویکردهای گفتمان اصلاحات در جامعه توتالیتر ایران دوباره از تبعید، اخراج و یأس بیرون آمد و این بار شعر او ماحصل ساختاری تازه در زبان و معنا بود. اگر روزی او موج ناب را به شعر ایران معرفی کرد، این بار خود همراه و همگام جریان شعری دهه هفتاد ایران شد. نیز ظهور و بروز جریان‌های مبتنی برشکل گیری جامعه مدنی مانند گفتمان، اصلاحات و شهروندی بر اشعارش تأثیرگذاشت. آتشی شاعر تساهل و مدارا بود و به خوبی می دانست با تکیه بر لجاجت‌های ایدئولوژیک نمی‌تواند وظیفه روشنفکری خود را ادا کند. او سختی سوگ مختاری و پوینده ها را دید اما شعرش راه گفتمان را باز گذاشت.

ماندگاری آتشی در رهایی زبان بود نه در استبداد زبان و معنا ... او به مخاطب امر نمی کرد بلکه مخاطب را در باغ زیبای شعر خود رها می کرد:

تو مثل لاله ی پیش از طلوع دامنه ها
– که سر به صخره گذارد
غریبی و پاکی
تو را ز وحشت توفان به سینه می فشرم
عجب سعادت غمناکی



۱۶ درصد از رسانه‌های استان بوشهر لغو مجوز شدند

به گزارش خبرنگار مهر، مازیار هوشمند در جمع خبرنگاران اظهار داشت: رسانه‌های استان بوشهر دارای تأثیرگذاری بسیار بالایی در جامعه هستند که در زمینه‌های مختلفی فعالیت دارند و به عنوان رابط بین مردم و مسئولان فعالیت‌های گسترده‌ای دارند.

وی با اشاره به اینکه استان بوشهر تا چندی پیش دارای ۸۴ رسانه مجوزدار بود، خاطرنشان کرد: با لغو مجوز فعالیت ۱۴ رسانه استان، تعداد رسانه‌های دارای مجوز به ۷۰ رسانه رسیده است.

مدیر خانه مطبوعات استان بوشهر بیان کرد: به دلیل عدم انتشار و فعالیت برخی رسانه‌ها، علاوه بر ۱۴ رسانه لغو مجوز شده، بیش از نیمی از رسانه‌های فعلی نیز در معرض لغو مجوز قرار دارند.

وی ادامه داد: انتظار داریم به فعالیت و احیای رسانه‌های استان کمک شود. بیشترین آگهی‌های دولتی مربوط به وزارت نفت است ولی نصیب رسانه‌های استان نمی‌شود.

هوشمند تصریح کرد: تخصیص یارانه رسانه‌ها از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در قالب تصویب بودجه از سوی سازمان برنامه و بودجه انجام می‌شود که تاکنون فقط ۱۰ درصد آن محقق شده است.

وعده‌های شیخ خدری از شعار تا واقعیت در عصر ارتباطات!

الیاس احمدحسینی



اوائل مهرماه حجت‌الاسلام خدری نماینده بوشهر، گناوه و دیلم در روستای باباحسنی از توابع شهرستان دیلم سخنانی پیرامون فعالیت‌ها، ارتباطاتش با وزارت نفت و مسئولیت‌های اجتماعی آن سخنانی ایراد کردند.

«در دیدار با مدیرعامل مناطق نفت‌خیز جنوب گفتم: وزارت نفت در گناوه و دیلم در باب مسئولیت‌های اجتماعی هیچ کاری انجام نداده است. ما مطالباتِ بعد از انقلاب تاکنون را داریم. حالا قرار شده است که ده پروژه فرهنگی- ورزشی تعریف شود و روستاهای اطراف حوزه‌ی سیاهمکان را شامل بشود!»

این سخنان حجت‌الاسلام خدری در حالی گفته می‌شود که حدود یک ماه پیش سرمایه‌گذاری‌های وزارت نفت در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی مناطق نفت‌خیز با ۱۱۵ پروژه و با مبلغ ۹۰ میلیارد تومان در استان بوشهر ابلاغ شد. شاید برای مردم حوزه انتخابیه بوشهر، گناوه و دیلم جالب باشد که بدانند سهم آنان از این پروژه‌ها و مبالغ چقدر است؟

آیا جناب خدری با آن همه خبرهایی که روزانه از دیدار، گفتگو، همراهی و دفاع از وزارت نفت منتشر می کند، توانسته سهمی قابل‌توجه برای حوزه انتخابیه از آن وزارتخانه به دست بیاورد؟

و با توجه به خبرهایی که از وی در رسانه‌های اختصاصی منتشر می‌شود، عملکردش بر طبق آمار و اسناد نسبت به سه نماینده دیگر استان چگونه است؟

حال بر طبق ابلاغیه مدیریت نظارت بر طرح‌های عمرانی مناطق نفت‌خیز در استان بوشهر، قضاوت را به مردم حوزه انتخابیه واگذار می کنیم تا پی ببرند که فاصله تبلیغات تا واقعیات بدون توجه به عصر ارتباطات تا چه میزان است!

«در حوزه خانم سکینه الماسی نماینده دیر، کنگان و عسلویه: عسلویه ۱۵، کنگان ۱۰، دیر ۲۹ و جم ۵۰ جمعاً ۱۰۴ پروژه با اعتبار ۶۷ میلیارد تومان.

در حوزه سیدکمال‌الدین شهریاری نماینده دشتی و تنگستان: دشتی ۳ و اهرم ۴ جمعاً ۷ پروژه با اعتبار ۱۸ میلیارد تومان.

در حوزه محمدباقر سعادت نماینده دشتستان: دشتستان یک پروژه با اعتبار دو میلیارد تومان.

در حوزه حجت‌الاسلام عبدالحمید خدری نماینده بوشهر، گناوه و دیلم: گناوه یک و دیلم یک جمعاً دو پروژه با اعتبار ۳ میلیارد تومان.

لازم به یادآوری است که بنابر نظر کارشناسان مبلغ یک میلیارد و نیم که اختصاص به هر یک از سالن‌های ورزشی سرپوشیده مخصوص بانوان داده شده است تنها هزینه زیرسازی آن می‌شود و برای تکمیل و راه‌اندازی آن ۵ میلیارد تومان مورد نیاز است.

منبع: گناوه‌آنلاین

من فقط کمی خسته ام ... بعضی مواقع فکر می کنم اونقدر دارم برایِ زندگی می جنگم، که وقتی برای زندگی کردن ندارم ...!

"پدرخوانده " فوردکوپولا

